بسم الله الرحمن الرحیم

فتح

انا فتحنا لك فتحاً مبینا

دور دوم نشراتي - سال دوم شماره‌ء هشتم پنجشنبه ۲۵جوزای
۱۳۷٤ هـ ش - ۱۸محرم الحرام ۱٤۱٦هـ ق - ۱۵جون ۱۹۹۵ م

طی دیدار های جداگانه

محترم استاد عبدرب الرسول سیاف و انجنیر احمد شاه مسعود با سفیر امریکا مقیم اسلام آباد ملاقات نمودند

گزارش رادیو افغانستان حاکیست روز پنجشنبه تاریخ ۱۷ جوزا طی ملاقاتهای جداگانه جان منجو سفیر و نماینده فوق العاده ایالات متحده امریکا با محترم استاد سیاف رهبر اتحاد اسلامی افغانستان و محترم انجنیر احمد شاه مسعود پیرامون اوضاع سیاسی نظامی و مسایل مورد علاقه بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

طی یك حمله غافلگیرانه در مسیر راه خنجان

یك قطار زرهی دوستم منهدم گردید

به اساس گزارش رادیو افغانستان مجاهدین اردوی اسلامی با کمین گیری در مسیر راه خنجان تعداد زیادی از وسایل زرهی شامل تانکها و ماشین های محاربوی ملیشه های دوستم را منهدم نمودند.

قطار زرهی ملیشه های دوستم که قصد حمله به سنگر های اردوی اسلامی را داشتند قبل از رسیدن به خطوط مقدم جنگ تارومار گردیده وده ها تن آنها به هلاکت رسیدند که از تعداد دقیق تلفات تابه حال گزارشی در دست نیست.

محترم استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان در سخنرانی به مناسبت عاشورای حسینی در یکی از مساجد هرات:

مسلمانان باید با یادبود حماسهء جاودانهء کربلا با هم تجدید اخوت کنند

● *اگر گروهی دست از حمایت اسلام بردارند هزاران گروه دیگر از مشتاقان اسلام بسوی سنگر دفاع از اسلام می شتابند و از اسلام عزیز حمایت می کنند.*

● *محبت اهل بیت پیامبر و عشق و محبت به آن خانواده‌ء گرامی مربوط به همه امت اسلامی است. اینجاست که در روز های عاشورا باید مامسلمانان بین هم تجدید اخوت بکنیم اگر در مسایل فروعی و مذهبی اختلافی بوده باشد در تعقیب راه پیامبر گرامی و اهل بیت مبارکش هیچ اختلافی در میان مسلمانان نیست*

● *مسلمانان از هر مذهب اسلامی در این عزا و درین افتخار و درین حماسه همه خود را شریك می دانند*

● *ملیت های مختلف افغانستان تاجك و پشتون و ترکمن و هزاره و ازبك و بلوچ و سایر ملیت های کشور عزیز مان باید برادروار بنام اسلام دفاع از اسلام عزیز و استقلال کشور شان، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان عزیز و در راه حمایت از خون شهدای شان همه در پهلوی همدیگر متحد و یك پارچه بیاستند زیرا تازمانی که ملت ما یك مشت واحد است این مشت واحد فرق هر توطئه گر و هر دشمن را خورد خواهد ساخت*

● *در نظر اسلام و مسلمانان باید مکتب حفظ شود اگر چه در این راه جانهای عزیز و گرانبهای بخاطر حفظ و حراست از اسلام فدا شود، باید مکتب را حفظ کرد و جانهای عزیز را از دست داد*

ص(۳)



یادداشت مدیر مسئول

جنگ اقتصادی علیه دولت اسلامی

هرزمانی که سخن از راه حل معضله‌ء افغانستان بمیان می آید، قطع مداخله‌ء خارجی بعنوان عمده ترین فکتور در حل این مشکل مطرح میشود ولی متاسفانه تا کنون در جهت جلوگیری از مداخله‌ء خارجی بخصوص مداخله‌ء کشور های همسایه از طرف مجامع بین المللی هیچ اقدامی صورت نگرفته و اگر گاهی هم درین مورد لحن انتقاد آمیزی بکار رفته درحد یاد آوری نوعی تعهد اخلاقی برای مداخله گران بوده که نباید در امور دیگران مداخله کنند. از طرف دیگر کشور های همسایه موجودیت یك دولت قدرتمند مرکزی را در افغانستان به نفع خود نمی بینند به همین علت در طول سه سال گذشته جنگی که کشور های خارجی بخصوص همسایه ها به کشور ما صادر کرده اند همچنان از مردم ما قربانی می گیرد.

پس از اینکه با تمام تلاشهای مداخله گران سر انجام شهر کابل از وجود مخالفین مسلح پاکسازی گردید و اردوی اسلامی در نبرد علیه نیروهای صادر شده از طرف همسایگان به موفقیت های چشمگیر دست یافت، مداخله گران متوجه شدند که در جنگ نظامی امکان پیروزی ندارند جبهه‌ء جنگ را به بخش اقتصادی کشاندند.

البته همزمان با آغاز جنگ علیه دولت اسلامی نوعی جنگ اقتصادی از طرف مخالفین مسلح به شکل قطع راه های مواصلاتی و به ویژه محاصره‌ء اقتصادی شهر کابل نیز در جریان بود ولی در اثر مقاومت بی نظیر مردم شکیبای ما این حربه های دشمنان به شکست مواجه شد ولی اکنون این جنگ شکل بسیار خطر ناکی را بخود گرفته است. مدتی قبل بشکل غیر منتظره ئي دوستم مقادیر هنگفتی پول افغانی را که همه بشکل بانکنوت های هزار افغانیگی بود بشکل معاش و سایر مصارف در شمال افغانستان پخش کرد از آنجا که در آن موقع دوستم تمایلاتی هم به مذاکره و تفاهم با دولت اسلامی نشان میداد شایعاتی پخش شد که گویا این پول را دولت اسلامی به دوستم داده است در حالیکه هرگز چنین نبوده بلکه ازبکستان با چاپ این بانکنوت های جعلی برای دوستم جنگ اقتصادی علیه دولت اسلامی را ابعاد تازه بخشید.

چاپ بانکنوت های جعلی بمنظور بی اعتبار ساختن پول افغانی را اولین بار حزب اسلامی آغاز کرد. حزب مقدار زیادی

ص(۷)

دجلال آباد کابل پرلاره دغلا او لوټمارۍ تراژیدی

ص(٦)

محترم جمهور رئیس د روسیی د فدراسیون دپارلمان ددفاع او امنیت رئیس سره په لیدنه کی:

دسولی دتآمین اغیزمنه لاره دبهرنی لاسوهنی پای او دښکیلو اړخونو تر منځ د دیالوګ دوام دی

دجوزا ۲۱نیټه دفتح خبریال :

دافغانستان اسلامی دولت جمهور رئیس محترم پروفیسور برهان الدین ربانی نن له غرمی مخکی د روسیی دفدراسیون دپارلمان دامینت او دفاع رئیس شیری شوف دگلخانی په مانۍ کی حضور ته ومانه.

دافغانستان اسلامی دولت دجمهوری ریاست مطبوعاتی دفتر خبر ورکړ چی ددغی لیدند په ترڅ کی د دواړو هیوادونو په اړیکو او دسولی دپروسی په اړه خبری وشوی.

دافغانستان اسلامی دولت جمهور رئیس وویل: دافغانستان اسلامی دولت پردی عقیده دی چی دسولی دتآمین اغیزمنه لاره دبهرنی لاسوهنی پای او ددیالوګ دوام دی دښکیلو اړخونو تر منځ او لدی لاری نه کیدای شی جګړه پای ومومی. همدارنګه شیری شوف دروسیی د دولت د پیام ارائی په ترڅ کی محترم جمهور رئیس ته دخپل هیواد تیاری داقتصادی مرستو او دافغانستان په بیا ودانولو او په کابل کی دروسیی دسفارت په بیا پرانیستلو کی ښکاره کړ.



جلال آباد ته دافغانستان اسلامی دولت دراغلی هیئت رئیس محترم سید نورالله عماد وویل:

ترڅو چی اساسی اختلافات حل نشی دنورو مسایلو په اړه به خبری ونشی

ص(٤)

دجلال آباد په غونډه کی دځینو لخوا خنډونه را ایجاد شول، مخکی لدینه چی دلته دګوندونو دمشرانو راغلی وای باید دهغوی استازی راټول شوی وی او د مهمو لکو په اړه یی خبری کړی وای او وروسته بیادګوندونو مشرانو سره غونډه کړی وای.

دمجاهدینو له یوه بریالی برید سره د ملیشیانو پنځه تنه جنرالان له پنځه سوه افرادو سره په اسارت ونیول شول

دسمنګان ولایت نه په وروستیو رارسیدلی خبرونو کی ویل شویدی چی میړنیو مجاهدینو دخپلو تیرو بریالیو عملیاتو په لړ کی ددغه ولایت دکوهستانات په ولسوالی کی پنځه تنه جنرالان او پنځه سوه تنه وسلوال افراد داسلامی اردو ځواکونو په اسارت نیولی.

په خبر کی ویل شویدی چی د دوستم ملیشیانو دیوی حملی په ترڅ کی چی دکچن په سیمه کی د ملیشیانو نه تصفیه شوی سیمو دتصرف قصد درلود په شا تمبولی او د اسلامی اردو ځواکونو لخوا محاصره شول چی له یوی شپی نښتو نه وروسته په بشپړه توګه دمجاهدینو لخوا په اسارت ونیول شول.

پدغه بریالی برید کی دملیشیانو نه لس تنه مړه او پنځلس تنه ټپیان شویدی.

همدارنګه ددغی حملی په ترڅ کی پنځه تنه جنرال ملیشیان هر یو تورن جنرال خیرمحمد مشهور په ظابط، تورن جنرال محمد موسی او برید جنرال محمد ګل له دری سوه تنه افرادو سره اسیر شویدی چی زیات اندازه سپکه او درنه وسله داسلامی اردوځواکونو په غنیمت نیولی ده.

دیوه بل خبر له مخی د دوستم ملیشیانو دوه نور قوماندانان قوماندان عبدالحق او قوماندان حمیدالله دکوهستانات په ولسوالی کی له خپلو سپکو او درنو وسلو سره داسلامی دولت ځواکونو ته تسلیم شویدی.

په وروستیو عملیاتو کی دپنځه ویشتمی فرقی مسئولینو د قدروړ او شهامت ښودلی دی.

در رابطه با دیدار هیئت جمعیت اسلامی افغانستان با امیر جماعت اسلامی پاکستان

شکوه از جماعت اسلامی

قسمت دوم و اخیر

ما بحیث یك تنظیم اسلامی باب دوستی و برادری را با مسلمانان برای همیشه باز گذاشته و هر زمان و در هر جا برای آشتی و تفاهم حاضر هستیم و این سیاست همیشگی تنظیم ماست. ماکه امروز با شما نشسته ایم، جناب استاد ربانی اطلاع ندارند و نه ما اجازه گرفته ایم بلکه این خاصیت و طبعیت آزاد منشی تنظیم ماست و رهبری تنظیم هرگز ناراحت نمی شود و حتی ما انتقادات شدید و حرف های درشتی را در برابر شان گفته ایم و ایشان تحمل کرده اند، درحالی که یك عضو حزب بدون استیذان شخص حکمتیار نمی تواند به همچو اقدامات متوسل شود و یا علیه او حرفی بزند.

ما درشرایطی که دوستم بحیث عسکر وزارت دفاع مدعی اطاعت و متابعت از دولت اسلامی بود، علیه او و ملیشه ها تبلیغات و سیع داشته ایم ولی در شرایط ائتلاف حکمتیار با دوستم، اعضای حزب جرأت ندارند که حتی یك حرف در مورد دوستم بگویند!

و در مورد رابطه و تفاهم میان اعضای جمعیت و حزب باید بگوئیم که به نظر ما هرگز اشکالی وجود ندارد و اصولاً حزب و جمعیت اختلافی ندارند و در اصول و مبانی وطرز فکر و بسا موارد دیگر، در بین تنظیم ها، دو تنظیم نهایت بهم نزدیك اند، بلی! اختلاف و کشمکش اگر وجود دارد از طرف شخص حکمتیار با استاد ربانی است آنهم بر سر قدرت!

و این فقط حکمتیار است که در حسرت رسیدن بقدرت با استاد می جنگد ورنه استاد همواره حاضر بوده است تا او را بحیث صدر اعظم بپذیرد ولی اعضای حزب و اراکین آن بویژه شورای اجرائیه آنرا که شما جناب قاضی صاحب می شناسید، اکثر شان در دولت اند و وزیر و معین می باشند، ما اعضای هیأت جمعیت که هر کدام ما بیش از ۲۵ سال سابقهء تحریکی داریم ولی در کمپ های پشاور مدرس هستیم و در دولت وظیفهء رسمی نداریم و از معاش و هر گونه امتیاز دیگر محروم می باشیم ولی اعضای بلند پایه حزب و همکاران نزدیك دیروزی حکمتیار همه وزیر و معین و رئیس اند و از امتیازات کامل در دولت برخوردار! پس هر حزبی که همین امروز از جنگ دست بکشد فردا در دولت صاحب مقام می گردد و هیچ مشکلی در زمینهء پذیرش او وجود ندارد!

پس ما حزبی ها را برادر خویش میدانیم و هر لحظه و در هرجا حاضر به ملاقات و مذاکره هستیم و هرگاه از جنگ و برادر کشی و تباهی دست بردارند و حتی معارض غیر مسلح باشند و مبارزهء سیاسی علیه دولت نمایند بازهم برای ما قابل تحمل اند.

واما در مورد دیکتاتوری و یکه تازی باید گفت که این یك برچسب کاملاً ناچسب بر شحص استاد ربانی است و همه دوستان و دشمنان به این امر اعتراف دارند که استاد یك شخصیت مهذب و حلیم و بردبار است. استاد از خصومت و کینه و عناد سخت بیزار و هر لحظه آمادهء صلح و آشتی است.

برعکس این حکمتیار است که دیکتاتوری او درطی سالهای جهاد به اثبات رسیده است، جائی که در برار همه اعضای اجرائیه خویش قرار گرفت و با خلقی ها ائتلاف و از کودتای تنی حمایت نمود.

شما جناب قاضی صاحب اطلاع دارید که معاونین او کجا هستند؟

قاضی امین وقاد، انجنیر عبیدالله، مولوی عبدالوارث و ده ها عضو چندین شورای اجرائیه حزب اکنون در کنار او هستند یا نه ؟!

قاضی صاحب به حمایت دولت از طالبان در مرحلهء نخست اشاره نموده و گفتند که چون طالبان علیه حزب می جنگیدند استاد ربانی از آنها حمایت نمود و خودش از دوستم علیه حکمتیار استفاده نمود ولی حینی که دوستم در کنار حکمتیار قرار گرفت، علیه او اعلان جهاد نمود!

درین رابطه عضو هیأت جمعیت گفت:

حمایت از طالبان در شرایطی که هدف شانرا باز کردن راه ها و برداشتن پاتك ها اعلام داشته بودند، در مطابقت با سیاست و خواست دولت، لازم و ضروری بود ومتاسفانه که این حکمتیار بود که راه ها را بسته و پاتك ها در مسیر راه ها داشت و به قطاع الطریقی دست می زد. ولی زمانیکه طالبان بدون داشتن دلایل فوق قصد حمله بکابل وهرات را گرفتند، دفاع حق مشروع و قانونی دولت بود ولی جای تعجب اینست که جماعت اسلامی حین درگیری میان طالبان و حزب از حزب حمایت و طالبان را قوای شروفساد و فتنه و آلهء دست استعمار میدانست ولی پس از طرد حزب از صحنهء نظامی و رویارویی طالبان و دولت مولانا چترالی صاحب طی اعلامیهء مطبوعاتی از استاد ربانی خواستند تا به طالبان تسلیم شوند و از جنگ با این گروه پاك و بی آلایش احتراز نمایند!!

ما تعجب کردیم زیرا فکر می کردیم که دوستی افراطی جماعت با حزب باعث شده است که جماعت مطالبی علیه دولت بگوید ولی با این اعلامیه مولوی چترالی چنین احساس نمودیم که جماعت اصلاً با دولت و استاد ربانی خصومت دارد و اگر حکمتیار علیه دولت بجنگد از او حمایت می کند و اگر طالبان بجنگند از آنان ! یعنی در هر صورت از جانب مخالف دولت حمایت می کنند!!

ولی در قضیهء دوستم برعکس باید گفت که حکمتیار هرگز علیه دوستم نجنگیده بلکه در همان روز های شعار علیه گلم جم نیز هدف اساسی او استاد ربانی و مسعود و استاد سیاف بود و مرکز آنان را راکت باران می کرد و هرگاه حکمتیار واقعاً با دوستم و ملیشه ها می جنگید پس لازم بود تا مقر و مرکز اصلی آنان یعنی شهر مزار و شبرغان را مورد حمله قرار دهد حالانکه در شمال کشور هرگز برخورد میان آنان صورت نگرفت و بازهم ما تعجب کردیم ازینکه پس از ائتلاف حکمتیار با دوستم، جماعت اسلامی و شخص شما دیگر حرفی علیه دوستم نزدید و ما انتظار داشتیم همان طوری که حین قرار داشتن دوستم دوصف دولت علیه او مطالبی را بیان می فرمودید. واستاد ربانی را ملامت می کردید که چرا جنرال ملیشه و کمونیست را پذیرفته است به همان صورت انتظار داشتیم تا ائتلاف حکمتیار با دوستم را نیز محکوم نمائید

ص(۷)

موضوع هفته

طالبانو سره اوربند د دولت دسوله غوښتنی ستره بیلگه

دطالبانو دجریان له پیل سره چی کله دوی دسپین بولدك څخه حرکت او خوځښت پیل کړ دافغانستان اسلامی دولت دنظم ، امنیت او سولی دتأمین په غرض له دوی سره مرسته وکړه تردی حده پوری چی په قندهار کی دافغانستان اسلامی دولت دقول اردو قوماندان ملا نقیب الله آخندزاده دقندهار ولایت دسیمو په نیولو او تصفیی کی هیڅ ډول مرستی او همکاری نه ده ونکړه او دتومورړی ونهه د دوی په بریالیتوب کی برخلیك تاکونکی وه.

په پیل کی دطالبانو ډلی نه یواځی دا چی د دولت ملاتړ تر لاسه کړ بلکی د دوی عنوان شوو اهدافوته دافغانستان ولس هر کلی ووایه او په څو ولایاتو کی په او دیوه سریع عمل سره د دولتی ملاتړ ترڅنگ دوی استقبال کړل.

خو دا دولتی او ولسی ملاتړ فقط د کابل تردروازو پوری دطالبانو له ډلی سره مل ؤ ، ډیر ژر کله چی طالبان دکابل پولو ته ورسیدل نو سمدلاسه یی پرکابل بریدونه خبر کړل ، ټولی لاری چی ذوی یی دخلاصون په غرض را پاځیدلی وو، دوی پخپله دنیولو سره وتړلی، دپخوا په شان یی دسون او خوراکی موادو پروړلو دکابل پرښاریانو بندیز ولگول شو، کابل د ړندو او وحشیانه راکتی حملو تر اور لاندی راغی ، له دولت سره دجگړی له امله نه یواځی داچی طالبان له دولتی ملاتړ نه یی برخی شول بلکی په ولسی او ملی سطح یی هم خپل محبوبیت له لاسه ورکړ اودنفرت پله پری درنه شوه، په ځانگړی توگه کله چی دوی دکابل مسلمان ښاریان دوحشیانه ړندو راکتی حملو نښه کړل، تر دی حده پوری وحشیانه حملی چی پخوانی کیسی او حملی یی له خلکو څخه هیری کړی او دوحشت نوی باب یی پرانیست، دکابل ښاریانو نه ددفاع په غرض اسلامی اردو ځواکونو دخپل ملی او اسلامی مسئولیت درك سره دیوه چټك برید په ترڅ کی دطالبانو ډله په شاوتمبوله دغه ډله یی د کابل شاوخوا سیمونه لیری و تمبوله،کابل یی ددوی له راکتی حملو نه وژغوره طالبانو نه یواځی داچی په نظامی او پوځی په ډگر کی ماته وخوړله بلکی په سیاسی لحاظ هم دوی پخپله پر خپلو لوړو ادعاگانو لیکه را وکاږله، په پیل کی دوی دټولو احزابو دخلع سلاح کولو شعارورکاوه او حتی تر دی پوری چی غوښتل یی دولت هم باید خپلی وسلی دوی ته وسپاری !! دجهادی گوندونو په اړه خو یی په

ص(۷)

دجلال آباد کابل پرلاره دغلا او لوټمارۍ تراژیدی

دکابل جلال آباد لاره چی په ترانزیتی لحاظ دهیواد دمهمو لارو څخه گڼل کیږی او کابل پیښور سره وصلوی په سیاسی، اقتصادی او تجارتی لحاظ خاص اهمیت لری.

دتیر الحادی رژیم دواکمنی په وخت کښی همدغه لار دمجاهدینوله خوا په کمونستانو او درژیم په کسانو بنده وه خو هغه وخت چی په هیواد کښی اسلامی حکومت ټینگ شو پکار خوداوه چی ټولی لاری خلاصی شوی وائی او په اسلامی طریقه دخلکو سره چلند عملی شوی وائی.

خو دبده مرغه دکابل جلال آباد لویه لار دهماغه لومړی سر څخه دحزب اسلامی کسانو په خپله ولقه کښی واخسته او دشتمنیو دپیدا کولو یوه منبع او ذریعه ئی وگرځوله داچی په تیرو دری کالو کښی په دی لاره کی دحزب اسلامی پوځونو څومره ناخوالی په مسافرو او لارویو تیری کړی دی څومره موتری ئی لوټ کړی څومره جیبونه ئی شکولی دی په حساب کتاب کښی نشی راتلی.

څوموده وړاندی داسی اطلاعات خپارهء شو چی گویا حکمتیار د خپلو پاټکونو تیکه داران او اجاره داران په دی راضی کړی دی چی پاټکونه ړنگ کړی او یا خو لږ ترلږه دلوی لاری دمسافرو سره انصاف نه کار واخلی.

څو ورځی داخبری کیدی چی په دی لاره کښی دشکونی واقعی کمی شوی دی او پاټکونه په انصاف کښی چلیږی، حکمتیار هم په موقع دیوی خارجی رادیو سره دا خبره وکړه، چی پاټکونه او مزاحمتونه لری کړی شوی دی خو داهسی تشی خبری وی څو ورځی لاتیری نه وی چی دلنگی غوا په حیث بیا ددی لاری څخه اقتصادی او تجارتی بهره برداری شروع شوه او اوس خپل وروستی عروج ته ځکه رسیدلی ده چی دغلو او قطاع الطریقو په جامه کښی ان چی دموټرو دسورلو نه واسکټونه و باسی اوخپل هفته وار اقتصادی بیلانس وړباندی پوره کوی.

ابله ورځ راته دخدای یو بنده قصه کوله چی دجلال آباد نه کابل ته په لاره ورنه دزرداد خان جنرال !! افرادو پوره څلویښت لکه افغانی تروړلی وی او دټوپك په کونداغونو ئی هم وهلی وو.

اساسی خبره خو داده چی پاټك اچول دلاری دامنیت دنیولو سره مترادفه خبره ده خو دافسوس خبره داده چی دکابل جلال آباد ترمنځ په لویه لار کښی چی دسلونه زیات پاټکونه اچول شوی دی او په هر پاټك کښی ویره وونکی څېری توظیف شوی دی نه یوازی دلاری امنیت ئی گډوډکړی دی بلکه پاټك ته په رسیدو سره دچلونکی کلینر او ټولو سورلیو سره دپیسو دخوندی‌کولو غم وی خو ډیر کم طالع من کسان پیدا کیږی چی دپاټك دتالاشی نه خپلی ورسره پیسی ساعتونه او نور قیمتی شیان بچ کړی داځکه چی په دی پاټکونو کښی داسی مسلکی غله په کار اچول شوی دی چی بدی هم لټوی او څپلی هم په سړی وباسی.

په دی ورستیو ورځو کښی ددی لاری امنیت بیا زیات خراب شوی دی او تالاشی کونکو څخه دغلو ډلی زیاتی فعالی شوی دی چه په راز راز طریقو سره خپل جیبونه ډکوی او دخدای تعالی بندگانوته ازار او اذیت ورکوی.

پوښتنه داده که چیری دکابل جلال آباد لار دحکمتیار دافرادر په قبضه کښی وی لکه چی ده نو بیاولی دغسی جنایاتوته رنه رنه کتل کیږی او دمخنیوی چل ئی نه ورځی.

که چیری په خپلو افرادو حاکمیت ولری نو داسلامی ارشاداتو سره سم ئی باید پاټکونه ایسته کړی شی او که دتنظیم دپاره دبودجی دپوره کولو په مقصد دغه نا جایز کارته اقدام کیږی نو بیا بله خبره ده!!

ترکومه ځایه چی اطلاعات څرگندوی ټول مسئولین په دی ښه پوهیږی چی دچور چپاول واقعات پکښی زښت زیات دی خو ددی دپاره چی قوماندانان او سرگروپان ورنه تنخواه ونه غواړی په دی کار کښی ئی پری ایښی دی او دخلکو دچور کولو یوه تراژیده ډرامه ئی جوړه کړی ده چی په هیڅ وجه دزغم وړنه ده.

محترم استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان در سخنرانی به مناسبت عاشورای حسینی در یکی از مساجد شهر هرات:

مسلمانان باید با یادبود حماسهء جاودانهء کربلا با هم تجدید اخوت کنند

● شهادت امام حسین (رض) حادثه بزرگ و حماسه آفرین کربلا مربوط به همه مسلمانان است مربوط به یك مجموعه از مجموعهء آمت اسلامی نیست. اینجاست که باید در تجلیل از سالگرد و یا یادبود این حادثهء بزرگ و حماسه آفرین و در عین حال اسفبار و فاجعه انگیز مسلمانان برادر وار یکبار دیگر تعهد اخوت و برادری را درمیان همدیگر داشته باشند.

● در نظر اسلام و مسلمانان باید مکتب حفظ شود اگر چه در این راه جانهای عزیز و گرانبهای بخاطر حفظ و حراست از اسلام فدا شود، باید مکتب را حفظ کرد و جانهای عزیز را از دست داد

● اگر گروهی دست از حمایت اسلام بردارند هزاران گروه دیگر از مشتاقان اسلام بسوی سنگر دفاع از اسلامی می شتابند و از اسلام عزیز حمایت می کنند.

● محبت اهل بیت پیامبر و عشق و محبت به آن خانوادهء گرامی مربوط به همه امت اسلامی است. اینجاست که در روز های عاشورا باید ماسلمانان بین هم تجدید اخوت بکنیم اگر در مسایل فروعی و مذهبی اختلافی بوده باشد در تعقیب راه پیامبر گرامی و اهل بیت مبارکش هیچ اختلافی در میان مسلمانان نیست

قال الله تعالی فی قرآن الکریم

بسم الله الرحمن الرحیم

(ولما رءا المومنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله و رسوله وصدق الله ورسوله ومازادهم الا ایمانا ًو تسلیماً. من المومنین رجال صدقوا ما عٰهدوالله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینظر وما بدلوا تبدیلا)

صدق الله مولانا الکریم .

برادران عزیز، عزاداران امام حسین صلوة الله علیه و سلامه، السلام و علیکم ورحمة الله و برکاته

با نثار درود فراوان به روان پاك شهدای عزیز اسلام بخصوص شهدای کربلا و در پیشاپیش همهء شان حضرت امام حسین صلوة الله علیه و السلام باید متذکر شویم که در تاریخ پر افتخار اسلام، بسا روز های عظیم و حوادث بسیار بزرگی روی داده است. این جوادث و این روز ها باید در ابعاد مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرد از جمله حادثه شهادت سید شهدا حضرت امام حسین (رض) در حالیکه یکی از حوادث دردناك غم انگیز و اسفبار در تاریخ اسلام و مسلمانان است در بعد دیگری این حادثه تنها یك واقعهء غم انگیز در تاریخ نیست بلکه بزرگترین حماسهء تاریخ است که اگر چنین حادثه ئی با شهادت سید الشهدا و خانوادهء گرامی و یاران و همسنگران عزیزش بوقوع نمی پیوست جلو انحرافی که در مسیر تاریخ اسلام بمیان آمده بود با آسانی گرفته نمی شد زیرا که حادثهء دردناك شهادت امام حسین و روز عاشوراتنها حادثه دردناکی نیست که هرسال در عاشورا از آن تجلیل بعمل بیاید بلکه حماسهء جاودانه ئی است که باید پیروان مکتب اسلام با فرارسیدن روز عاشورا با یاد آوری از سالگرد کربلا یکبار دیگر فرزندان توحید، مسلمانان راستین این حادثه را بیاد آورند و همراه و همگام باکاروان حسینی در جهت حمایت و پشتیبانی از تعلیمات بزرگ اسلام درمقابله در برابر هر انحراف و هر توطئه ئی که علیه اسلام صورت می گیرد در سنگر خون و شهادت بعنوان پاسداران صدیق اسلام و رهروان راستین مکتب امام حسین علیه السلام یکبار دیگر تجدید تعهد کنند و راه آنانرا ادامه بدهند و اجازه ندهند توسط هیچکس و از هیچ نهادی و هیچ جائی خطری متوجه اسلام و مسلمانان شود. سالگرد شهادت سیدشهدا یك جهان از حقایق را در برابر حقیقت جویان و مسلمانان راستین قرار میدهد.

این قیام این حقیقت قرانی را در برابر چشم مسلمانان قرار میدهد که خداوند در سورهء احزاب خاصیت و ویژه گی های این راهیان را چنین بیان می کند که می فرماید :

(ولما رءا المومنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله و رسوله وصدق الله ورسوله ومازادهم الا ایمانا ًو تسلیماً. من المومنین رجال صدقوا ما عهدوالله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینظر وما بدلوا تبدیلا)

خداوند جل جلاله می فرماید:

آنگاه که مسلمانان، آنگاه که مومنان راستین، احزاب و گروه هائی را دیدند که در برابر مسلمانان صف آرائی می کنند مسلمانان سنگر را ترك نمی گویند ، از میدان نمی گریزند، سلاح را بر زمین نمی گذارند نمی گویند که نزد ما سلاح وجود ندارد، تعادل نیرو ها دربین نیست در یك جهت قدرتی تا بدندان مسلح و در جهت مقابل که ما قرار داریم تعداد ما اندك و سلاح ما ناکافی است بلکه می گویند که این برای ما مسلمانان یك امر طبیعی است

(هذا ماوعدنا الله ورسوله)

این همانا وعدهء خدا وپیامبرش است که مومنان در کشمکش ها و برخورد های زندگی در برابر صف آرائی ها و توطئه ها قرار می گیرند

(وصدق الله ورسوله)

و راست گفت خدا و پیامبرش (وما زادهم الا ایماناً و تسلیما) در روحیهء شان تزلزل راه نمی یابد بلکه چنان حالتی در آنان پدیدار می گردد که ایمان شان قوی تر میشود و تسلیم و انقیاد شان به فرمان الهی ، به مقدرات خداوندی بیش از پیش قوت می گیرد . در سنگر ها و رویاروئی ها حوادث بعدی را خداوند جل جلاله چنین حکایت میکند:

(من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه)

از میان مسلمانان کسانی هستند که راست گفتند به تعهدی که به خداوند(ج) بسته بودند

(فمنهم من قضی نحبه)

کسانی از آنان در رویاروئی با توطئه گران و دشمنان حق و حقیقت جان شیرین خود را از دست میدهند و به مرتبهء رفیع شهادت نایل می گردند (ومنهم من ینتظر) عده ئی در سنگر قرار می گیرند

(ومابدلوا تبدیلا)

نه به خود و نه به هیچکس دیگر اجازه میدهند که در مسیر راه اسلام انحرافی بمیان بیاورند. آنها همیشه در سنگر اند و بعنوان پاسداران دلیر و صادق و راستین در هیچ شرایط و اوضاع واحوالی سنگر دفاع از حق و حقیقت را ترك نمی گویند.

قیام امام حسین(رض) تفسیری از این آیهء مبارکه است تفسیر عملی و بازتاب واقعی از این فرموده خداوند جل جلاله است. امام حسین (رض) ملاحظه فرمود که حکمرانان زمان، آنها ئی که باید پاسداران اسلام باشند در خط انحراف حرکت می کنند برای اینکه مکتب حفظ گردد و اسلام پایدار بماند، انحراف از مکتب اسلام بدور انداخته شود، باید نمونه های عملی و قیامهای خونین بمیان آید، این حقیقت را که قرآن از آن یاد می کند می دانیم که اصلاً در نظر اسلام و مسلمانان باید مکتب حفظ شود اگر چه در این راه جانهای عزیز و گرانبهای بخاطر حفظ و حراست از اسلام فدا شود، باید مکتب را حفظ کرد و جانهای عزیز را از دست داد، اینجاست که تفسیر این آیت را در زندگی و شهادت حضرت امام حسین (رض) در می یابیم که خداوند جل جلاله می فرماید :

(وما محمداً الی رسول)

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم نیست مگر پیامبری

(زماین مات اوقتل)

هرگاه اگر پیامبر گرامی رحلت نمود و یا به قتل برسد

(انقلبتم علی اعقبکم)

آیا شما پیروان اسلام از راه خود منحرف می شوید؟

(و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیاً وسیجزی الله الشکرین)

و اگر کسی از راه اسلام منحرف شود هیچ نوع ضرری به اسلام و به مقصد اسلام وارد نمی شود زیرا اسلام عاشقان، فدائیان و پاسداران بی حد و حصری دارد. اگر گروهی دست از حمایت اسلام بردارند هزاران گروه دیگر از مشتاقان اسلام بسوی سنگر دفاع از اسلامی می شتابند و از اسلام عزیز حمایت می کنند. اینجاست که از نظر مکتب اسلام شخصیت های بزرگ حتی به بزرگواری پیامبر گرامی یابه بزرگواری سیدنا امام حسین (رض) اگر بوده باشد در حالیکه حیات شان قیمت دارد اما اسلام و حفظ اسلام قیمت بهاتر از حیات بزرگان اسلام است اینجاست که می بینیم پیامبر اسلام می فرماید :

من بسیار دوست داشتم که در راه خدا بجنگم باز شهید شوم باز زنده شوم و بازجام شهادت بنوشم و چندین بار این حادثه تکرار شود.

این از آرزو های پیامبر گرامی و جد امجد حضرت امام حسین (صلوة الله علیه و سلامه)بود که شهادت را آرزو می نمودند. اینجاست که امام حسین (رض) مشتاقانه به کربلا می شتابد تا جلو انحراف را بگیرد و درسی برای مسلمانان و رهروان راستین اسلام بگذارد. تا قیام قیامت این درس را بگذارد که (الاسلام عقیدة والجهاد) اسلام عقیده و جهاد است و شهادت آرزوی هر مسلمان صادق و راستین است.

برادران عزیز : قیام حسین (رض) مایهء افتخار جاودانه برای همه ملت اسلامی است. زندگی و شهادت حضرت امام حسین مظهر اخوت و وحدت بین مسلمانان است. شهادت امام حسین (رض) حادثه بزرگ و حماسه آفرین کربلا مربوط به همه مسلمانان است مربوط به یك مجموعه از مجموعهء امت اسلامی نیست. اینجاست که باید در تجلیل از سالگرد و یا یادبود این حادثهء بزرگ و حماسه آفرین و در عین حال اسفبار و فاجعه انگیز مسلمانان برادر وار یکبار دیگر تعهد اخوت و برادری را درمیان همدیگر داشته باشند.

بعضی ها سعی دارند تفهیم نمایند که گویا محبت خانواده پیامبر بزرگ اسلام مربوط به گروهی یا مجموعه ئی از مسلمانان از میان امت اسلامی است در حالیکه حقیقت چنین نیست. محبت با اهل بیت جزء عقیده و راه و رسم همه مومنان راستین است. حضرت امام شافعی (رح) در یکی از ابیات خود می فرماید : که اگر محبت اهل بیت پیامبر به معنی تشیع بوده باشد پس همه اهل شریعت، جن و انس بدانند که من شیعه هستم. این سخن از امام شافعی است.

وعین این محبت از طرف امام ابوحنیفه (رح) بیان می شود که بزرگترین و اولین استادش حضرت امام جعفر صادق است لذا محبت اهل بیت پیامبر و عشق و محبت به آن خانوادهء گرامی مربوط به همه امت اسلامی است. اینجاست که در روز های عاشورا باید مسلمانان بین هم تجدید اخوت بکنیم اگر در مسایل فروعی و مذهبی اختلافی بوده باشد در تعقیب راه پیامبر گرامی و اهل بیت مبارکش هیچ اختلافی در میان مسلمانان نیست. مسلمانی که امام حسین (رض) را دوست ندارد نمیتواند خود را پیرو پیامبر بداند در حالیکه پیامبر گرامی می فرماید:

(انا من حسین و حسین منی)

من از حسین هستم و حسین از من است.

آیا چنین شخصی این مقام امام حسن و امام حسین (رضی الله تعالی عنهما) را فراموش می کنند که آندو بزرگوار نوادگان گرامی پیامبر بودند که حتی زمانیکه پیامبر سر مبارك را بر سجده می نهاد حضرت امام حسین بر شانه های پیامبر گرامی سوار می شد و پیامبر (ص) بسیار به آرامی سر مبارك را بلند می کردند تا نواسه عزیزش به زمین نخورد اینجاست که این حقیقت را باید همه بیاد داشته باشیم که محبت به اهل بیت پیامبر مربوط به همه امت اسلامی است. مسلمانان صادق و راستین باید با یادبود حماسهء جاودانهء کربلا با هم تجدید اخوت کنند زیرا مسلمانان در همه ابعاد این حادثه شریك هستند در غم های این حادثه، در افتخارات بزرگ این حادثه و در راه و رسم بزرگی که بعد از شهادت امام حسین(رض) در تاریخ اسلام در برابرهر مجاهد راستین و هر مسلمان صادق گذاشته شده است. اینها غم های مشترك همهء ما و افتخارات مشترك همهء ماست و مسلمانان باغم همدیگر بیگانه و نا آشنا نیستند.

خدا را شکر گذار هستیم که ملت مظلوم ما با الهام از تعالیم والای اسلام با الهام از رهبری و هدایات گرانبهای پیامبر بزرگ اسلام و با تعقیب حماسهء بزرگ کربلا ملت مومن ما در طول تاریخ در هر نوع برخوردی و در هرنوع تجاوزی که حریم اسلام و مسلمانان صورت گرفته حسین وا وارد جهاد ومعرکه و دفاع از کشور خود شغند

مـــار در آستین !!

دشمنان تاریخی پاکستان در سایهء رحمت و دامان پر عطوفت !!

ده سال قبل از امروز، امکان و احتمال رویکار آمدن حکومت مجاهدین در کابل بعید به نظر نمیرسید و تعدادی از اراکین رژیم کمونستی به این گمان و باور بودند که بالاخره روزی فرا خواهد رسید که رهبران جهادی از پاکستان بکابل آمده و زمام قدرت را بدست بگیرند. ولی در سال قبل برای هیچ یك از اعضای حزب کمونیست (خلق و پرچم) در افغانستان، باورکردنی نبود و در خیال و خاطر شان هم نمی آمد که پس از پیروزی مجاهدین، رهبران و اعضای حزب کمونیست از کابل به پاکستان بروند و در کمال راحت و آسایش در سایه حکومت و کشوری بسر ببرند که حد اقل بیست و پنج سال تمام و بلا وقفه در تظاهرات و تبلیغات به آن «مرده باد» گفته اند!

کمونیست های خلقی و پرچمی در افغانستان در همنوایی با حکومات هند و روس، تشکیل پاکستان را فاجعهء قرن دانسته و از وجود این کشور اسلامی درین منطقهء دنیا احساس رنج و ابراز خشم ونفرت می نمودند!

دشمنی ها و خصومت های پایان ناپذیری که تحت عنوان « پستونستان» علیه پاکستان صورت می گرفت و کمونیست های خلقی و پرچمی بیشتر از دیگران به این آتش اختلاف و نفاق دامن میزدند، موضوعی بود که روس و هند و رژیم های افغانستان نه بخاطر احقاق حقوق مردمان سرحد بلکه بخاطر پیدا نمودن جای پای برای استعمار سرخ و اسارت و حقارت مردم آزادهء این خطه عنوان می نمودند !

همهء دشمنان اسلام و مسلمین در دنیا و کمونیست های افغانستان بیشتر از سایرین، سخت در رنج و عذاب بودند که چرا یك کشور به نام اسلام تشکیل شده و آمیدواری حاکمیت نظام اسلامی در آن وجود دارد ؟!

با تجزیهء پاکستان و تشکیل کشور بنگلادیش، و ایجاد کشمکش ها وخونریزی هایی که در اثر توطئه های اجانب و دشمنان اسلام و چاکران داخلی آن صورت گرفت، کمونیست های خلقی و پرچمی در تظاهرات و تبلیغات اظهار سرور و شادمانی و جشن و شادی نمودند و برزخم های دل و دیدهء مسلمین جهان نمك پاشیدند!!

پس از کودتای کمونیستی ۷ ثور ۱۳۵۷ ، تبلیغات و فعالیت های ضد پاکستان در افغانستان شدت گرفت وحتی یکی از انگیزه های کودتای ثور، دورشدن داؤد خان از روسها و انصراف از خصومت با پاکستان بود!

ولی در رژیم کمونیستی فعالیت ضد پاکستان فقط در شعار ها و تبلیغات خلاصه نشد بلکه دستگاه های جاسوسی اکسا و کام و خاد بصورت منظم و پیهم برنامه های قتل و انفجارات در پاکستان را رویدست گرفتند و در نتیجه صد ها پاکستانی مظلوم در اثر انفجارات به شهادت رسیدند !

کمونیست های خون آشام و بیرحم خلقی و پرچمی حتی بر کودکان پشتون ایالت سرحد نیز رحم نکردند و با انفجار درجوار مکاتب چندین طفل معصوم و مظلوم را قطعه قطعه کردند !

سانحهء قمر الدین گرهی را شاید هنوز هم مردم بخاطر داشته باشند !

مراکز متعدد خرابکاری و آموزش تروریست ها درکابل و ننگرهار و کندهار ایجاد گردید و از آنجا تروریست های مسلح و مجهز با انواع سلاح ها و مواد منفجره و پول و سرمایهء کافی منابع روس، هندی و خلقی و پرچمی به سرزمین پاکستان فرستاده می شدند و فاجعه های خونینی را ببار می آوردند !

ولی بالاخره پس از پیروزی مجاهدین در کابل، دشمنان تاریخی و قسم خوردهء پاکستان و قاتلین صد ها پاکستانی مظلوم و بیگناه و مسئولین شماره یك وزارت سرحدات و دستگاه خاد که بار اصلی جنایات و انفجارات در پاکستان را بدوش می کشیدند همه به پاکستان آمدند به همان کشوری که بیست و پنج سال علیه آن شعار مرده باد سرداده بودند و به همان شهری پناهنده شدند که بیش از ده سال برای سازمان دادن انفجارات و تباهی در آن مصروف کار و فعالیت بودند !!

برای کشور اسلامی پاکستان که بیش از پانزده سال میزبان مهاجران افغانستان است از جهاد بر حق مردم افغانستان علیه روسها و چاکران آن حمایت و دفاع نموده است، شایسته و زیبنده نیست که اکنون میزبان قاتلان مردم افغانستان و

از همه تعجب آور اینکه میزبان قاتلان اطفال معصوم پاکستانی ودشمنان تاریخی کشور پاکستان باشد !!

اگر دیروز مسلمانان دنیا از حکومت و مردم پاکستان بخاطر پناه دادن به مهاجرین اظهار سپاس و قدر دانی می نمودند وآنرا نمونهء ایثار و اخوت و همدردی اسلامی میدانستند، حمایت و پرورش امروزی کمونیست های جانی و تبهکار افغانی توسط پاکستان را دلیل و نمونهء کدام احساس بدانند؟!

امروز موسسات تحصیلی و دفاتر تنظیمی مجاهدین در پاکستان با تهدید ها و قیودات روز افزون مواجه بوده و شرایط برای آنان تنگتر و ناگوار تر می گردد و این مهاجرین و مجاهدین کسانی اند که سال ها بجرم دوستی با مردم پاکستان توسط کمونیست ها زندانی و اعدام شده اند و هنوز هم به پاکستان و مردم آن علاقه و محبت دارند و از دل و جان خواهان آبادی و شادابی و پیشرفت روز افزون این کشور اسلامی و برادر و همسایه بوده و برای صلح و ثبات و ترقی آن دعا می کنند و از همه مهمتر بیش از پانزده سال جوانان خودرا در زیر تانك های روس قربان نموده و در نتیجه از پیشروی قوای سرخ روس سوی پاکستان جلوگیری کرده اند و در حقیقت از استقلال و تمامیت ارضی پاکستان دفاع نموده اند !

ولی بر عکس امروز در پاکستان برای فعالیت کمونیست ها و ادارات به اصطلاح تعلیمی آنان ، زمینه مساعد میشود و مورد لطف و نوازش و تفقد قرار می گیرند ودرین پایگاه و پناهگاه مطمئن از مکافات اعمال گذشته خویش با سخاوت وفراخ دلی تمام مقامات پاکستانی برخوردار می باشند !!

امروز مردم ما و مردم آگاه و با احساس پاکستان و بویژه ایالت سرحد در تعجب و حیرت فرورفته اند که چرا وچگونه مقامات پاکستانی بر دشمنان تاریخی پاکستان و قاتلان مردم خویش تا این اندازه مهربان گردیده اند که آنهمه جنایات تاریخی و نابخشودنی کمونیست ها و خونهای پاك مردم بیگناه خویش را فراموش کرده و این



مار آستین را در دامان پر عطوفت خویش پرورش میدهند ؟!

وآیا پاکستان معذور و مجبور است و دست توانمند دیگری در عقب اینان قرار دارد که می خواهد از کمونیست ها علیه مجاهدین بحیث یك قوای ذخیره استفاده نماید و چاکران روس را که با اضملال شوروی یتیم وبی سرپرست شده اند، بچاکری و غلامی خود استخدام نموده و ازین چاکران با تجربه بسود مرامهای امپریالیستی خویش استفاده نماید؟

تر څو چه اساسی اختلافات...

دغه خبره د افغانستان اسلامی دولت دزراعت وزارت وزیر محترم سید نورالله عماد چی جلال آباد ته دافغانستان اسلامی دولت دهیئت په رأس کی راغلی ؤ د امریکا غږ رادیو سره دیوی مرکی په ترځ کی وکړه.

محترم سید نور الله عماد دطالبانو دګلون په اړه پدغه غونډه کی وویل:

طالبانو تر اوسه ځان یو تنظیم ندی اعلان کړی، مونږ دهغوی په ګډون سره پدغه غونډه کی غیر مستقیم دهغوی په تنظیم اعتراف کاوه هغه وویل تر څو چی اساسی اختلافات حل نشی دنورو مسایلو په اړه به خبری ونشی.

محترم سید نور الله عماد د دی پوښتنی په ځواب کی چی دولت دملګری ملتونو دسولی په هڅو کی چی محمود مستیری هلی ځلی کولی دطالبانو ونډه یو اساسی شرط ایښی ؤ اوس یی ولی نه منی، وویل : تاسی دهغه وخت دریځ او اوسنی دریځ مطالعه کړی کوم فرق به په کښی نه وی، مونږ په هغه وخت کی هم دیوه ګوند په توګه له هغوی سره خبری ندی کړی بلکی دیوه مشکل په حیث مو ورسره مفاهمه کړیده.

ددی پوښتنی په ځواب کی چی دولت دوه پراو پتی خبری د دوستم له نمایند ګانوسره په مسکوکی کړی او ولی پټی وی او دیوه حل دپیدا کولو لپاره اوس د دوستم نمایندګانو سره خبرونه ډیره کوی محترم سید نورالله عماد وویل: د دولت نماینده دتاجکستان دستونزو په اړه روسیی ته تللی ؤ نه د دوستم نمایندګانو سره دخبرو لپاره، دا غوښتنه پخپله دجنرال دوستم وه چی ورسره خبری وشی، داسلامی دولت نماینده هم ددی لپاره چی دهغوی په نیت پوه شی چی آیا ددوی په دښمنانه دریځ کی څه بدلون راغلی او کنه له هغوی سره یی ولیدل.

بخاطر چاپ بانك نوتهای...

بانك مرکزی افغانستان از سازمان ملل متحد و سایر مجامع بین المللی تقاضا نمود که دولت ازبکستان را به خاطر چاپ بانك نوتهای یك هزار افغانیگی جعلی که مغایر با تمام پرنسیپ ها و نورمهای ملی و بین المللی و حسن همجواری میباشد محکوم نمایند.

عبدالقدیر فطرت سرپرست دافغانستان بانك طی اعلان این موضوع گفت ازبکستان با مداخلات سریع و آشکار نظامی اینبار دست طبع بانك نوتهای هزار افغانیگی جعلی زده است و آنرا برای ملیشیای دوستم فرستاده است تا در چند ولایت شمال افغانستان توزیع نماید. وی افزود بانك نوتهایی که بخاطر سبوتاژ امور پولی دولت اسلامی افغانستان طبع گردیده است از نظر سایز، رنگ و نمبر مسلسل با بانك نوتهای اصلی تفاوت دارد که این تفاوت در کاپی بانکنوتها به خوبی تفکیك و قابل درك است.

ایا در شکست طرح مستیری دولت مقصر است؟

اظهارات آقای محمود مستیری درکنفرانسی در مورد افغانستان در پایتخت سویدن شهر استاکهولم نمونهء کامل از اظهارات غیر مسئولانه از طرف یك مقام مسئول است. مقامی که وی را یك مجمع مهم بین المللی یعنی سازمان ملل متحد برای یافتن راه حل مشکل افغانستان مامور نموده است.

آقای مستیری در بیانیهء خویش دولت اسلامی افغانستان را مسئول شکست ماموریت خویش در افغانستان قلمداد نمود در حالیکه اگر مسئله را بشکل بیطرفانه مورد ارزیابی قرار دهیم مسئولیت اصلی این شکست بدوش شخص مستیری است .

وقتی آقای مستیری از ایجاد یك میکانیزم انتقال قدرت که برای تمام جهت ها مورد قبول باشد عاجز آمد فعالیت خود را متوقف ساخت در حالیکه دولت اسلامی افغانستان از آغاز تا پایان از ماموریت صلح وی پشتیبانی نموده است.

وظیفه اصلی و اساسی محمود مستیری درین ماموریت آن بود تا یك شورای مورد قبول ملت را فرا خواند و این شورا باید از اکثریت مردم افغانستان نمایندگی مینمود و بعداً قدرت به این شورا منتقل میگردید. آقای مستیری ماهها را صرف تلاشهای بیهوده برای دادن نقش به عناصر و جهت های غیر موثر در حل بحران نمود و سفر های متعددی را درین رابطه به داخل و خارج افغانستان داشت و سر انجام نتوانست چنین شورائی را بوجود آورد. در جلساتی که مستیری در کویته با عده ئی از افغانها داشت روی دو مسئله مخصوصاً تاکید گردید یکی ایجاد شورای مورد تائید ملت و دیگری ایجاد یك نیروی مسلح بیطرف، اینها مسایلی بود که مشاورین آقای مستیری بارها آنرا بعنوان نکات مهم در پروسهء صلح مستیری در رسانه های خبری منعکس کردند اما آقای مستیری بشکل مرموز و شك بر انگیزی وقت گذرانی میکرد گوئی او منتظر بود تا نیروی جدیدی بمیدان آید که هم جای شورای نمایندهء ملت را بگیرد و هم بعنوان قوت مسلح بیطرف شناخته شود. از وقت گذرانی آقای مستیری درین زمان بخوبی مشخص بود که وی پروسهء صلح خود را با نزدیك شدن طالبان بسوی کابل هماهنگ ساخته است و میخواهد از طالبان بعنوان وسیلهء فشار علیه دولت استفاده کند با خروج و رانده شدن مخالفین از کابل باز هم دولت اسلامی افغانستان آمادگی خود را برای انتقال قدرت اعلام داشت

ص(٦)

زمینه های توسعه وعمران در افغانستان

بخش اول

ترجمهء واقف حکیمی

از کتاب



«زمینه های توسعه وعمران در افغانستان» باب هشتم از کتاب «اقتصاد افغانستان و ۱۲ سال جنگ» است که مؤلفش استاد توفیق غانم تحولات اقتصاد افغانستان را در رابطه با تاثیرات جنگ در طی سالهای ۱۹۷۸ - ۱۹۹۰ م مورد بررسی قرار داده است و طبعاً این باب نه تنها با ابواب قبلی کتاب بی ارتباط نیست که با آنها رابطه تنگ و ناگسستنی دارد و در غالب احیان موضوعات این باب بر مبنای معلومات داده شده در ابواب گذشته بنا یافته است بناءً شاید خواننده لااقل در برخی از موارد خود را نیازمند به مراجعه به ابواب قبلی ببیند اما ما دراینجا به علت حجم کتاب و اولویت مسائل بازسازی فقط به همین باب هشتم کتاب که به بازسازی اقتصادی می پردازد که یکی از فوریتهای دوران بعد از جنگ است بسنده میشویم و آگاهی از سایر ابواب کتاب را به چاپ کامل آن که قریب خواهد بود میگذاریم.

بزرگترین مشکلی که بعد از پایان جنگ واستقرار آرامی ، افغانستان در انتظار آن می باشد عبارت، از باز سازی ویرانیهای جنگ ورشد وتوسعهء منابع داخلی آنست. واین مشکل یکی از بزرگترین مشکل مبرم آیندهء ملت افغانستان را می سازد ودر بخشهای گذشته کوشیدیم که سروی واقعی ایرا در بارهء مهمترین جوانب اقتصاد افغانستان بعداز ۱۲ سال تباهی وجنگ خانمانسوز- که هنوز دوام دارد- تقدیم نمائیم ودرین بخش خواهیم کوشید که بر خطوط محوری برنامهء توسعهء مطلوب وبازسازی مهمترین بخشهای اقتصادی روشنی اندازیم . مگر قبل از همه تعیین مهمترین مشکلات وموانعی که در آینده برسر راه توسعه وبازسازی افغانستان قرار دارد خواهیم پرداخت.

مهمترین مشکلات در راه توسعه وعمران

۱- از بین رفتن پایه های اساسی اقتصاد افغانی : که آن در اثر نتایج مستقیم وغیر مستقیم جنگ طوریکه در بخشهای گذشته توضیح دادیم ، صورت گرفته است .

۲- وابستگی با جهان خارج :

گستردگی وعمق این سیاست عادی در اقتصاد کشورهای رویه انکشاف در افغانستان بعلت جنگ وبعلت صحنهء در گیریهای بین المللی واقع شدن آن افزایش می یابد ، ومهمترین ابعاد ارتباط اقتصاد افغانی به خارج ازین قرار اند :

ـ وابستگی آیدئولوژیك، افغانستان از لحاظ اقتصادی قبل از کودتای ثور ۱۳۵۷ در بین نظریهء سرمایه داری ومارکسیسم در حالت تذبذب قرار داشت ، سپس بعداز کودتای ثور کفهء مارکسیسم گرانی گرفت تا اینکه در اواخر دههء هشتاد رجعت از مارکسیسم وتلاش در جهت ایجاد توافق بین این دو بینش آغاز گردید .

بناء افغانستان - بعنوان یك دولت - فاقد آیدئولوژی مستقلی بوده است که با شرایط اوضاع داخلی اش هماهنگ باشد ، ودر طول مدت جنگ - وقبل از آن نیز - اقتصاد دانان افغانستان تحصیلات خود را در شرق ویا غرب فرا گرفته اند واین خود این وابستگی را عمیق تر نموده است .

-وابستگی به سرمایه گذاری خارجی، طوریکه در بخش دوم این کتاب توضیح دادیم اقتصاد افغانستان در دوجناح یعنی رژیم کابل ومجاهدین متکی بر سرمایه گذاری خارجی بوده است . وآن نظر به بعد بین المللی جنگ کنونی است ، واین امر به اهمال منابع مالی داخلی که در جریان جنگ آسیب ندیده است منجر شده است .

-وابستگی غذائی وتکنالوژیکی ، وحین بررسی بخشهای کالایي وخدماتی توضیح نمودیم که مردم افغانستان با همه گروه های آن در بیشترین نیازمندیهای حیاتی از قبیل غذا ولباس ودوا وآلات وتکنالوژی (یا به تعبیر ساده تر از سوزن تا موشك) به خارج متکی اند .

۳- غلبهء سلوك استهلاکی بر سلوك تولیدی وارزشهای آن :

واین شیوه در نتیجهء تباهیی که به بخشهای توایدی - بخصوص بخش زراعت که ٦، ۷۱٪ نیروی کار را فرا می گیرد - وارد گردیده ، ونیز بعلت افزایش حرفه های غیر مولد کالا مانند جنگیدن - طوریکه این حالت در مورد ملیشه های رژیم کابل دیده می شود - ومانند خدمات ضروریی که بخاطر جنگ وهجرت انجام می یابد - طوریکه این جریان در میان مهاجران بچشم می خورد - بوجود آمده است . وسرازیر شدن کمکهای خارجی به هردو طرف جنگ باعث رشد عادات استهلاکی وکنار رفتن ارزشهای تولیدی و عدم حضور آنها در زندگی عملی شده است .

٤- سطح پائین فرهنگی:

در افغانستان در سال ۱۹۸۵م سطح بیسوادی در میان بالغان تقریبا به ۷٦.۳٪ (٦۱.۱٪ در بین ذکور و ۹۲٪ در بین اناث) رسید ، واین نسبت بزرگترین رقم بیسوادی را در قارهء آسیا تشکیل میدهد . واین در حالیست که زمینه های تعلیم وتربیت در جریان جنگ - بخصوص دربین مهاجران - افزایش یافته است با ضعف کمی وکیفی اي که در تحصیلات عالی ومسلکی وجود داشته است - طوریکه در بخش چهارم توضیح دادیم - وعدم ارتباط بین مقتضیات توسعه وتعلیم وتربیت، اینها همه در عملیهء توسعه از طریق انسان سازندهء این توسعه اثر می گذارند .

۵-عدم امنیت واستقرار کامل داخلی:

جنگ باعث ظهور تعداد بزرگی از تجمع های سیاسی نظامی اجتماعی در داخل کشور گردیده است ، وبصورت طبیعی این نیروها - اگر منحل ومتلاشی نشوند - به گروههای استفاده جوی تبدیل می شوند که برای بدست آوردن منافع اقتصادی با یکدیگر به رقابت برمی خیزند زیرا ملیشه هایي که جنگ را برای بدست آوردن نان چیزی ساده ای می انگارند در بدل اینکه از قاطع الطریقی وچور وچپاول و باج ستاني ازفعالیت های اقتصادی در منطقه تحت نفوذشان دست بردارند به در آمد ضرورت دارند . اما دوام تجمع های سابق الذکر به حالت خودشان طبیعتا منجر به بی امنی وعدم استقرار ، وتضعیف اداره منظم ودر نتیجه تهدید سرمایه ها وایجاد موانع بر سر راه عملیه عمران وتوسعه میگردد .

نیازمندیهای اساسی آغاز عملیه عمران وتوسعه

الف - پایان جنگ وتأمین امنیت :

چون جنگ در افغانستان (از لحاظ جغرافیائی) جنگ سراسریست که در جبهات مشخصی منحصر نمی ماند ودر نتیجه هر تلاشی بخاطر عمران وتوسعه با استمرار جنگ وتباهی آن مشکل خواهد شد . واز جملهء دلائل این امر می توان ناکامیهای برنامهء ملل متحد را در بازگردانی مهاجران و اعمار پروژه های زیربنایي افغانستان بر شمرد ، قرار بود این برنامه در نیمه دوم سال ۱۹۸۸م آغاز شود وچهارونیم سال را با مخارج تقریبا ۲ ملیارد دالر در بر گیرد ، مگر تا پایان سال ۱۹۹۰ دست آورد قابل ذکری نداشت.

ب - بمیان آمدن نظام سیاسی متحد وقدرتمند وقوی وادارات حاکم وفعال که حالت درهم ریختگی سیاسی وبی نظمیی را که جنگ در افغانستان بوجود آورده است پایان بخشد، چیزیکه با وجود آن پرداختن به هیچ عملی در جهت رشد وعمران منظم در داخل ممکن نبوده وهمچنین بدست آوردن هیچ نوع کمکی از خارج میسرنیست . واین امر از جمله عوامل ناکامی برنامهء سابق الذکر ملل متحد بود.

ج - تأسیس وایجاد مؤسسات اساسی اقتصادی برای دولت مانند وزارتهای پلان (برنامه ریزی) وعمران وتوسعه ، زراعت، صنایع ومعاون ، مالیه ، واقتصاد - بصورتیکه این مؤسسات توانائی تهیه برنامه ها وتطبیق وپی گیری آنها را داشته باشند . ویا استفاده از مؤسسات موجود در رژیم کابل ودر سازمانهای مجاهدین میتوان این موسسات را ایجاد کرد .

د - اختیار آیدئولوژی واضح ومشخص : سوسیالستی - سرمایه داری - اسلامی ، که سیر اقتصاد در افغانستان را تنظیم کند . واین بعداز مطالعه تجارب گذشته افغانستان با آیدئولوژی های سرمایه داری وسوسیالستی ویا در نظر داشت معتقدات مردم افغانستان اتخاذ گردد .

هـ - پیروی از سیاست برنامه ریزی توسعه فراگیر، واین گاهی اوقات برنامه ریزی تجویزی یاد می شود ، زیراکه این نوع برنامه ریزی همه بخشهای اقتصادی را در برمی گیرد وبه اندازه زیادی هماهنگی وپیوستگی را در تهیه برنامه وتطبیق اهداف آن ضمانت مینماید . همچنان این سیاست از طریق تشویق وترغیب انجام می شود نه از راه هدایت اجباری . واین امر به نوبه خود با شخصیت ملی مردم افغانستان که از تحت سیطره وحاکمیت واقع شدن نفرت دارند هماهنگی دارد .

ادامه دارد

صلح مسلح بد تر از جنگ مسلحانه

پس از آغاز جنگ ها و تغیان علیه حاکمیت اسلامی در کشور تا به حال چندین بار توسط مصلحین و دوستان خارجی تلاشهائی در جهت برقراری صلح انجام پذیرفته که تقریباً همهء این کوشش ها به علت نواقص و نادیده پنداشتن واقعیت های موجود به ناکامی انجامیده و یا بی نتیجه مانده است.

اگر در پی آن شویم تا علل وریشه های شکست مذاکرات و ناکامی مصلحین را بر رسی نمائیم در خواهیم یافت که تقریباً همه ای کوشش هابه این منظور صورت گرفته تا موقتاً آتش جنگ خاموش گردد و در واقع جنگ به صلح مسلح تغییر نام یافته است و در چنین شرایط مخالفین موقع را مناسب دیده با استفاده از وضعیت نه جنگ و نه صلح خود را تقویه و تجهیز نموده و بار دیگر به جنگ و شرارت مبادرت ورزیده اند.

با وجود آنکه دولت اسلامی از صلح مسلح در گذشته خاطرات و تجارب تلخ به یاد دارد و از تن دادن به آن صدمات زیادی را متحمل گردیده است وهمه میدانند که صلح مسلح خطر ناکتراز جنگ مسلحانه میباشد زیرا تجارب گذشته ثابت ساخته است که صلح با گروه های مسلح قبل از آنکه باعث جلوگیری از جنگ شود سبب بروز جنگ ها و برخورد های تازه و تازه تر گردیده است بناءً لازم است در کوششهای بعدی این نکته مورد توجه قرار گرفته راه هائی برای جمع آوری سلاح به یك مرکز واحد بررسی گردد.

ولی برای آنکه مخالفین از عدم علاقمندی و حظور دولت در مجالس مصلحین استفاده مغرضانه ننمایند دولت همیشه با انعطاف و صداقت به ندای صلح خواهان پاسخ مثبت داده و از هیچگونه کوششی در برقراری صلح و تفاهم دریغ نورزیده است.

قطع نظر از اینکه مخالفین همیشه پس از شکست و ضعف به صلح رو آورده اند و این مخالفین هستند که در زیر پا کردن توافقات پیش قدم بوده و صلح را نقض نموده اند. و حتی حاضر نشده اند به شروط مقدماتی مذاکرات که عبارت از بازکردن راه ها و پایان محاصره شهر ها و شهروندان غیر نظامی است تن دردهند . جانب دولت با صبر و برده باری سنگ اندازی مخالفین درراه صلح و مصلحین راتحمل نموده است تا راهی را بسوی صلح واقعی بدون دستبردن به سلاح در یابد.

اینك در شرایطی که بنابر تقاضای گروه طالبان ومساعی عده ای از علمای خیر خواه پاکستان دولت اسلامی به آتش بس ده روزه و تبادله اسرا با گروه نامبرده توافق نموده است از تلاشهائی که برای برقراری صلح بنا بر خواست شورای مشرقی براه افتاده استقبال نموده و با اعزام هیئت بلند پایه دولتی به ننگر هار عزم راسخ و آمادگی همه جانبه خود را در حمایت و تأئید از این نوع تلاشها اعلام نموده است.

اهرچند تلاشهای مشابه شورای جلال آباد در گذشته نتایج مثبت و عملی در پی نداشت ولی دولت اسلامی با حسن نیت ونادیده گرفتن وضعیت قبلی امید وار است از دور جدید مذاکرات نتائج همه جانبه، عادلانه و عملی بدست آید.

بدون شك هر قدر این مذاکرات از تأثیرات بیرونی مستقل باشد، واقعیت های موجود با دقت و تأمل در نظر گرفته شود و از نواقص دور قبلی پرهیز صورت بگیرد به همان اندازه چانس موفقیت آن بیشر خواهد بود.

دولت اسلامی با وجود برتری آشکار نظامی و سیاسی بر مخالفین وضعف و تشتت روز افزون آنها دروازه صلح و تفاهم را بروی همه بازگذاشته و معتقد است که جنگ راه حل مشکلات و مسایل کشور نیست ولی برای دفاع از حاکمیت و قطع مداخله خارجی مصمم است با قوت و توان از خود دفاع نماید.

در زیر ذره بین

پهلوان دوستم روشنفکر شده است !

قرار گذارش های واصله عبدالرشید دوستم فرمانده ملیشه های شمال به تاریخ ۲٦ اپریل سال جاری با عده ئی از کادر های سابق حزب منحلهء دیموکراتیك خلق در ماسکو صحبت و مذاکره داشت درین ملاقات حدود پنجاه نفر از کمونیست های فراری شرکت داشتند از جمله اسلم وطنجار. دوستم درین دیدار این ادعا را که در سرنگونی رژیم نجیب و حاکمیت خزب کمونیست وی نقش داشته است رد کرد و درین رابطه خود نجیب را مقصر دانست حالب اینکه دوستم ضمن اشاره به دیدارهای خود با رهبران و یا نمایندگان بعضی از کشور ها گفت که هیچ کشور خارجی به استقرار حکومت غیر روشنفکری در افغانستان راضی نمی باشد از این سبب من به شما پیشنهاد می کنم که بیائید در احیای وطن و ایجاد حکومت روشنفکری سهم بگیرید. بدون شما نمیتوان در افغانستان حکومت با پایه وسیع را ایجاد کرد. من حاضرم از شما در ولایات شمال و مزارشریف صمیمانه پذیرائی کنم و برای تان زمینه کار و خدمت به وطن را مهیا سازم اگر چه امکانات ما زیاد نیست اما آنچه برای شما کم نمی باشد عبارت از دوستی و صمیمیت است. وی علاوه نمود من در قید و بسط شورای هماهنگی نبوده و تصامیم خود را ما درجنبش ملی میتوانیم جداگانه اخذ کنیم.

سرال اینجاست که آقای دوستم بیسواد که چون مرحوم مزاری همتایش در شورای هماهنگی دو امضایش با هم شباهت ندارد چگونه برای ایجاد نظام به اصطلاح خودش روشنفکری اینقدر علاقمند است؟!

از طرف دیگر وقتی دوستم از کمونیست های به اصطلاح خودش روشنفکر دعوت بازگشت می نماید باید به خاطر داشته باشد که نجیب هم یکی از همین قماش روشنفکران بود ولی دوستم نتوانست باوی بسازد آیا با روشنفکرانی چون اسلم وطنجار خواهد ساخت ؟

اصولاً غول بی شاخ و دمی چون آقای دوستم با این قد و قامت و ادعا در هیچ نظامی نمی گنجد و حتی اگر فرضاً یك نظام روشنفکری چه اسلامی و چه غربی در افغانستان مستقر گردد اولین غیر روشنفکری که از این جریان بیرون رانده خواهد شد آقای دوستم خواهد بود.

رشد شعور سیاسی ملت ومشکل تعدد سیاستمداران درکشور!

محترم حاجی عبدالقدیر والی جلال آباد در محفل توزیع شهادتنامه های حربی سونحی در شهر جلال آباد فرمودند که هر افغان سیاست کشور خود را خوب میداند.

از این سخن حاجی صاحب میتوان چنین فهمید که مردم افغانستان اکنون به مرحله ئی از شعور سیاسی رسیده اند که توان درك مسایل سیاسی کشور خود را دارند و اگر واقعاً چنین باشد جای کمال خوشحالی است. زیرا بلند رفتن سطح شعور سیاسی در یك جامعه میتواند نشانه ئی از پیشرفت اجتماعی بشمار بیاید و چنین پیشرفتی میتواند عامل اساسی در ایجاد صلح و ثبات تلقی گردد.

اما ذکر این نکته نیز درین رابطه لازم است که همانگونه که خوشبختی یك جامعه با درك و شعور سیاسی مردم رابطه مستقیم دارد با تعداد سیاستمداران رابطهء معکوس دارد یعنی هر قدر تعداد سیاستمداران یا کسانیکه بر بام سیاست سنگ و کلوخ پرتاب می کنند در یك جامعه بیشتر باشد امکان نا بسامانی در آن بیشتر است یکی از مشکلات پس از دوران جهاد در کشور ما همین رشد بی رویهء سیاستمدار است ولی با وجود اینکه افغانستان از این لحاظ غنی است ولی تلاش ها در جهت ایجاد صلح و حل مسئله از طریق سیاسی به نتیجه نمی رسد.

امید واریم همانگونه که حاجی صاحب ابراز خوشبینی نموده اند با رشد شعور سیاسی در مردم ملت از جمع شدن بدور سیاستمداران متعدد دست بردارد و این سیاستمداران به کار های مفید تری روی آورند در نتیجه زمینه برای ایجاد ثبات سیاسی در کشور مساعد گردد.

لطیفه

قدر ساعت را بدانید !

شخصی در شب بخانهء خود میرفت، در «پس کوچه» ای سه نفر باو برخوردند و قصد «لچ» نمودنش را داشتند، یکی از آن سه نفر نزدیك مرد آمد و گفت ساعت داری؟ مرد گفت: بلی دارم. گفت: بیرون بیاور ببینم، چند ساعت از شب گذشته است؟ آن مرد شمشیری را که زیر بالاپوش داشت از غلاف بیرون کشید وگفت: نصف از شب گذشته واین عقربك ساعت است!

گفتند: قدر این ساعت را بدانید که بسیار دقیق کار میکند! وبا گفتن این حرف گریختند.

آیا در شکست طرح...

بشرط اینکه یك مرجع قابل قبول و نمایندهء ملت بوجود آید و قدرت به آن منتقل گردد اما آقای مستیری تاکید داشت که نمایندگان باید از طرف تفنگداران مسلط بر ولایات انتخاب و قدرت به آن منتقل گردد. دولت ملاحظه خود در مورد را به اطلاع مستیری رسانید و طرح خود برای اصلاح طرح مستیری را نیز ارائه نمود که از هر ولایت باید کسانی که بتوانند لا اقل بصورت نسبی از مردم نمایندگی کنند انتخاب شوند نه اینکه مثلاً نمایندد مردم وردك در قندهار انتخاب شود و به این شورا اعزام گردد.

آقای مستیری هر بار تاریخی را برای انتقال قدرت اعلام می نمود و دولت اسلامی و مردم گمان می کردند که شاید تا این تاریخ مرجع قانونی و مورد قبول از طرف آقای مستیری معرفی خواهد شد ولی چنین نشد. آقای مستیری فقط تاکید به خلع رئیس جمهور داشت نه انتقال قدرت و سر انجام چنین وقت تلف کردن های فرصت طلبانه وی موجب شکست ماموریتش گردید بنا بر این اتهام وی بر دولت فقط میتواند توجیه شکستی باشد که خودش عامل آن بود اما تا آنجا که مسئله به تهدید تجرید اقتصادی افغانستان از طرف آقای مستیری رابطه می گیرد ملتً مقاوم افغان در طول سالهای جهاد علیه تجاوز گران نشان داده است که در برابر تهدید و ارعاب تسلیم نخواهد شد و اگر آقای مستیری و سازمان ملل متحد واقعاً خواستار حل مشکل افغانستان اند باید با یك طرح عملی و قابل قبول برای ملت افغانستان قدم به میدان نهد.

درین صورت دولت اسلامی همانگونه که بار ها اعلام داشته است حاضر است صمیمانه با آقای مستیری همکاری نماید.

نوی نسل

له زمکی نه بخار پورته شو.
له بخار نه وریځ پیدا شوه.
له وریځې نه باران وورېده.
له بارانه د پسرلی گلونه پیدا شوه.
له گلونو نه خوشبویی پیدا شوه.
وگوری مور او لور یا پلار او زوی څومره فرق لری؟
هغه تفاوت چی د باران او گلونو یا دځمکی او بوتو ترمینځ وینی د یوه او بل نسل تفاوت همدغومره دی.
که اولادونه میندو غوندی وای له غرونو ښخه به لعلونه نه پیدا کیده له دریابونو ښخه به مرغلری نه راوتلی.
له آبشار نه به بریښنا نه راتله.
د پرندو اولادونه به پراتده وو.
له کنو نه به کانه زیریدل.
اوس پوه شوی ا چی نوی نسل او زوړ نسل یو رنگه نه وی.
که څوك خپل زلمی زوی ته زړه بودی په نکاح اخلی یا خپله پیغله لور اتیا کلن بودا ته ورکوی سنه نه کوی.
زړه تربیه او نوی نسل همدغسی وگڼی.
د اروانباد استاد گل پاچا الفت له غوره نثرونو څخه .

واقف حکیمی

آشنایی با جیه جمعیت

یکی از زنان آزاده و مجاهد

نیاز بیگم که بیشتر از شصت سال عمر دارد زنی است از قریه سوچ از توابع ولسوالی جرم ولایت بدخشان. او در میان مجاهدان بدجشان وعامهء مردم به جیه جمعیت یعنی مادر شهرت دارد و از مجاهدان و فرماندهان آنان شاید کمتر کسی را میتوان یافت که با این زن آزاده شناسایی نداشته باشد.



او از اولین روزهای آغاز جهاد تا واپسین روز های آن مجاهدان را که همهء آنان را فرزند میخواند همراهی کرده است. او از آغاز رابطه اش با جهاد چنین حکایت می کند:

وقتی در بهار سال ۱۳۵۸ مجاهدان وارد منطقه شدند عدهء از جوانان قریه های دور و برمان به آنان پیوستند و یگانه فرزند من قدرت الله که جوانی بود در سنین ۱٦ سالگی خواست در پیشاپیش جوانان به صف مجاهدین بپیوندد ولی اصرار و زاری های تلخ من که تنها یك فرزند داشتم و برایش همچون دار می لرزیدم مانع از رفتنش به جبهه گردید او وقتی دید نمی تواند به صف یارانش در آمیزد آنچه از هیزم و پوش (بته) در خانه جمع آورده بود بفروخت و پولش را به عنوان مساعدت و یاری به مجاهدان داد.

قدرت الله فرزندم همواره برای پیوستن به جبهه بیقرار بود وقتی برایش می گفتم چگونه مرا تنها رها می کنی و میروی می گفت مثل من صدها جوان و مجاهد همهء زندگی خود را گذاشته و به جبهه رفته اند و دیگر اصرار و زاری من در بازداشتنش کارگر نیفتاد، روز هایی بدینحال نگذشته بود که او به جبهه رفت و من نیز بدنبالش به جبهه رفتم و با بسیاری از مجاهدان آشنا شدم و چون قدرت الله مرا جیه (مادر) صدا می زد دیگران نیز همچون وی مرا جیه می گفتند و من آنان را پسر خطاب می کردم .

قدرت الله پسر جیهء جمعیت در تحت فرماندهی نورالحی یکی از قوماندانان بسیار جوان که صیت و شهرتش در شجاعت و جنگ آوری و خوب جنگیدن علیه عساکر روس همه جا را فرا گرفته بود، جهاد می کرد یکی از یاران همیشه با او بود که جوانی و شجاعت که نظیر از مشترکاتی بود که این دوجوان فرمانده و فرمانبر را یاریکدیگر ساخته بود.

قوماندان نورالحی در تابستان ۱۳٦۰ توسط عواملی به به غدر به شهادت رسید و قدرت الله نیز چند روز قبل از وی در این حادثه شهید شده بود.

نیاز بیگم جسد فرزند شهیدش را بعد از پنجاه و هفت روز توسط اسپان و کسانی از منطقه خستك به قریهء سوچ که قریب یك روز میان آنها فاصله است انتقال باد و در برابر چشمانش به خاك سپرد تا بادیدن تربتش اندکی از غم جانکاه مرگ پسر دلبندش کاسته باشد.

جیهء جمعیت بعد از مرگ پسر قرار وصیت پسرش به او وپدرش که هر چه دارید به جبهه بدهید آنچه داشت با آنچه برای عروسی یگانه فرزندش فراهم آورده بود به مجاهدان داد و خود به یکبارگی دنبال آنان را گرفت و در فرحت پیروزی ها واندوه شکست ها آنانرا همراهی کرد.

وقتی مجاهدی شهید می شد به سختی می توان گفت که جیهء جمعیت در مراسم جنازه و مجلس عزا داری وی شرکت نمی کرد و با گریه های تلخ و بیان کارنامه های شهید همت جهاد و عزم استمرار مبارزه را در وجدان ها بجوش نمی آورد.

اگر مشاجره و سوء تفاهمی دربین گروهها و جبهاتی از مجاهدین بوجود می آمد جیه جمعیت بخاطر رفع کشیدگی ها و ایجاد وفاق و آشتی مبادرت می ورزید و با موقعیت و منزلتي که در میان مجاهدان داشت در اکثر احیان تلاشهایش موفقانه و ثمر بخش تمام می شد.

چندی قبل جیه جمعیت را در ولسوالی جرم بدخشان دیدم، از وی پرسیدم که اکنون از مجاهدین چه میخواهی ؟ گفت : در گذشته وقتی خبر می شدم فلان جا را از دست دشمن آزاد کردند و فلان جبهه دشمن را شکست داده اند خوشحال می شدم اکنون وقتی خبر می شوم که فلان پل و فلان سرك را آباد کرده اند خورسند می گردم.

جیه جمعیت از زمان شهادت فرزندش در سال ۱۳٦۰ تا کنون برسم عزا داری لباس سیاه می پوشد و با آنکه از متاع دنیا چیزی برایش نمانده است دل به قصد زیارت خانهء خدا بسته و آرزومند است که بعد از دیدن پیروزی مجاهدین به زیارت و دیدن خانهء خدا و مرقد پیامبر گرامی اش نیز نایل گردد .

شکوه از جماعت...

هرچند رابطهء هر کدام از استاد ربانی و حکمتیار با دوستم از زمین تا آسمان تفاوت دارد، بهر صورت شما بخاطر حکمتیار کوچکترین حرفی علیه دوستم نزدید.

محتر قاضی صاحب از بیان مولانا چترالی اظهار بی اطلاعی کردن و در خاتمه یأس خویش را از استقرار نظام اسلامی در افغانستان و امید خویش را به حاکمیت اسلام در پاکستان اظهار نموده و از وجود جهالت و برادر کشی در دوران جهاد و اره کردن وسایط نظامی و فروش آهن پاره ها و اذیت و آزار مردم توسط مجاهدین شکوه نمودند. عضو هیأت جمعیت در پاسخ گفتند:

هرگاه جنگ و تباهی پایان یابد، شرایط درکشور ما برای نفاذ و تطبیق اسلام نسبت به پاکستان آماده تر است و در مورد برادرکشی بازهم شما از خود حزب اسلامی احصائیه بگیرید که چند فیصد قوماندانان شما در جنگ با روسها کشته شده و چند فیصد در برخورد های داخلی؟

بدون شك كه هشتاد فیصد در برخورد های داخلی !!

و در هر نقطهء افغانستان که میان مجاهدین درگیری وجود داشته یك طرف آن حتماً حزبی ها بوده اند!!

این ها هم با مجاهدین و باهمه تنظیم ها و در هر نقطهء کشور جنگیده اند و حتی بیشتر قوماندانان شان توسط افراد خود شان کشته شده اند!

و در مورد بی امنی و قطاع الطریقی و تباهی و ویرانی تاسیسات دولتی و وسایط نظامی باز هم جناب قاضی صاحب شما فکر کنید که ما درهرات، بادغیس، غور، فراه، بدخشان، تخار، پروان و... حاکم بودیم و هستیم حتی یك نفر از شاهدان و مطبعان و خبرنگاران گزارش همچو وقایع را ازین مناطق نداده است برعکس در هرجای که حکمتیار حاکم بوده، چور و چپاول صورت گرفته که ولایت لغمان، خوست، لوگر، فابریکه جنگلك و نساجی بگرامی و پاتك سروبی مثال ها و شاهد های زندهء آن هستند و همهء مردم ما از آن آگاهی دارند.

یك عضو دیگر هیأت جمعیت که خود بار ها شاهد راکت باران شهر کابل توسط حکمتیار بود، چشم دید های خویش را به قاضی حکایت کرد و از سهم جماعت در جنگ علیه دولت اظهار شکوه و گله نمود.

او از امیر جماعت خواست تادر پالیسی جماعت در قبال افغانستان تجدید نظر نماید و طی یك کنفرانس مطبوعاتی به اشتباهات خویش اعتراف و در آینده به جبران آن بصورت عملی بپردازند. مجلس با دعائیهء پایان یافت و اظهار امیدواری صورت گرفت که این جلسه، جلسهء اول و آخر نباشد بلکه ادامه پیدا کند.

سخنرانی محترم استاد برهان الدین ربانی...

این کربلا در هرات باستان ماشاهد حماسه های جهاد اسلامی خود هستیم رهروان راه اسلام ، رهروان راه قیادت راستین اسلام در هرات باستان و در هر جای کشور عزیز مان افغانستان صادقانه در سنگر دفاع از اسلام و دفاع از تاریخ پر افتخار خویش تعداد زیادی از فرزندان شان ، رهروان راه امام حسین چون امام شهید سید الشهدا جان به جان آفرین سپردند و هنوز هم به لطف الهی هزاران در هزار از فرزندان توحید در دفاع از اسلام دلیرانه سرگرم پیکار و نبرد اند.

برادران عزیز !

در افغانستان عزیزمان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد توطئه های مختلفی بودیم و هستیم. البته در زندگی و تاریخ مسلمانان این ملت ملتی است که همیشه در برابر توطئه های مختلف قرار می گیرد و با آن پنجه نرم می کند. از روزی که دولت اسلامی که خونبهای یك و نیم ملیون شهید ماست اعلام شد توطئه های مختلفی در برابر ملت ما بوجود آمد توطئه هائی در بیرون از مرز های کشور عزیز مان برضد ملت مظلوم، درد دیده و قهرمان ما بمیان آمد. دشمنان یکی بعد دیگر بخاطر ایجاد بدامنی در کشور بخاطر جلوگیری از استقرار دولت اسلامی ، بخاطر ضایع ساختن دست آورد عظیم جهاد اسلامی در کشور شان، بخاطر ایجاد بدنام ساختن مجاهدین عزیز و تاریخ سازان معاصر جهان اسلام و افغانستان توطئه های مختلفی شکل گرفت مزدوران خارجی گاهی در یك چهره و گاهی در قیافهء دیگر با سیما ها و قیافه های مختلفی در برابر ملت ما دست به توطئه زدند اما به لطف الهی و به همت فرزندان مومن و صادق این شعار الهی و این ارشاد الهی را که سوره احزاب قبلاً خوانده شد ورد شباروزی خود ساختند که هرگاه توطئه ئی و هرگاه دسیسه ئی در برابر شان صف آرائی کرد گروهائی مزدور در برابر شان قرار گرفت بجای اینکه ترس و هراس دامنگیر شان شود با استقامت در برابر هر دشمنی از هرجای که سرکشید دلیرانه ایستادند و تا امروز به لطف الهی توطئه ها یکی بعد دیگر در هم کوبیده شده وانشاء الله در آینده هم توطئه ها از هر جائی که سر بکشد نابود خواهد شد.

برادران عزیز! رسالت جهاد گران مومن ما، امت خدا طلب و مجاهد و مسئولین دولت اسلامی ، علمای آگاه ، روشنفکران دلسوز، جوانان دلیر و باهمت ما و احساس مسئولیت ملت مومن و قهرمان ما اینست که در برابر هر توطئه ئی در سنگر دفاع از اسلام با هوشیاری و شجاعت حسینی بیایستند و اجازه ندهند که هیچ توطئه در حریم کشور ما پیروز گردد باید توطئه ها را یکی بعد دیگر نابود ساخت آنچه جلوهر توطئه ئی را می گیرد وحدت و برادری در میان ملت ما به قوت خود استوار است در میان شیعه و سنی که برادر و دوبازوی نیرومند و توانای اسلام عزیز است باید وحدت و اخوت رشد کند.ملیت های مختلف افغانستان تاجك و پشتون و ترکمن و هزاره و ازبك و بلوچ و سایر ملیت های کشور عزیز مان باید برادروار بنام اسلام دفاع از اسلام عزیز و استقلال کشور شان، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان عزیز و در راه حمایت از خون شهدای شان همه در پهلوی همدیگر متحد و یك پارچه بیاستند زیرا تازمانی که ملت ما یك مشت واحد است این مشت واحد فرق هر توطئه گر و هر دشمن را خورد خواهد ساخت اما همهء ما باید با هوشیاری با وحدت و با برادری در دفاع از اسلام جلو هر توطئه ئی را بگیریم. یکبار دیگر در حالیکه بروح همه شهدای عزیز، بروح شهدای عزیز کربلا اتحاف دعا می کنم البته مسلمانان از هر مذهب اسلامی در این عزا و درین افتخار و درین حماسه همه خود را شریك می دانند و می دانیم ر قول قولی هذه و استغفر الله لی ولکم انه الغفور الرحیم.

دوستم در ملاقات با...

طبق گزارشهای واصله بتاریخ ۲٦ اپریل ۱۹۹۵ جنرال عبدالرشید دوستم رئیس جنبش شمال با هیئت رهبری و کادر های سابق حزب منحله دمرکراتیك خلق در مسکو دیدن نمود. درین ملاقات که در حدود پنجاه نفر شرکت داشتند، در آغاز جنرال دوستم ضمن توضیح حوادث در آوان سقوط دولت کمونستی داکتر نجیب الله گفت طوریکه به رفقا و دوستان معلوم است در رابطه به سقوط دادن حاکمیت حزب دمرکراتیك خلق ودولت نجیب الله من مقصر نمی باشم، تمام تلاشهای لازمه را من و همکارانم بخرج دادیم که مشکلات ایجاد شده بین ولایات شمال و کابل را از طریق دوستانه حل کنیم، اما داکتر نجیب الله روی تصمیم خود پافشاری داشت و میخواست کادر های رهبری مرا در ولایات، بلخ و جوزجان و فاریاب خاصتاً قوماندانهای عرصه نظامی را یکی پی دیگر تبدیل کند و به نظر و مشوره ما کدام اهمیت ندهد، من درین مورد شاهدان زیادی دارم و به آنچه ما را در سقوط دولت آنوقت متهم میسازند درست نمی باشد، ناجوانی از طرف نجیب بود نه از جانب ما، از جمله درین جلسه ما وشما آقای محمد اسلم وطنجار وزیر صاحب دفاع خود بهترین گواه این واقعیت ها میباشند،موضعگیری یکجانبه داکتر نجیب و یکتعداد از همکاران سختگیر وی سبب شد که مجبوراً ما با مجاهدین و از جمله با انجنیر احمد شاه مسعود ائتلاف کنیم، زیرا ما باین فکر بودیم که او شخص روشنفکر بوده و میتواند در آینده زمینه حکومت کردن بنیاد گرایان را در افغانستان از بین ببرد. در حالیکه جریان عمل نشان داد که او در خط خود سختگیر تر از دیگران بود و میخواست نیروها و قوت های ما را به مقاصد سیاسی خود مورد سوء استفاده قرار دهد.

من سفر های زیادی به پاکستان، ترکیه و ازبکستان داشتم و درین سفر ها باروسای جهورو صدراعظمان و وزرای دفاع و خارجه این کشور ها ملاقات هایی داشتیم، همچنان با رهبران احزاب دموکراتیك این کشور ها نیز دیدار هایی کردم، علاوتاً یك تعداد هیئت های خارجی به مزار شریف آمده و من با آنها روی مسایل کشور تبادل نظر کرده ام، از جمله با هیئت عالیرتبه ایالات متحده امریکا، و همچنان آقای محمود مستیری و هیئت وی. از تمام این جریانات میتوانم بگویم که به حکومت غیر روشنفکری در افغانستان کسی راضی نمی باشد، ازین سبب من به شما دوستان عزیز خطاب میکنم که بیائید در احیای وطن و ایجاد حکومت روشنفکری سهم جدی بگیرید، بدون شما نمی توان در افغانستان حکومت پایه وسیع را ایجاد کرد، من حاضرم از شما در ولایات شمال و مزارشریف صمیمانه پذیرایی کنم و برای تان زمینه کارو خدمت به وطن را مهیا سازم، اگر چه امکانات ما زیاد نیست اما آنچه برای شما در آنجا کم نمی باشد عبارت از دوستی و صمیمیت است،

دوستم علاوه نمود که من در قید و بست شورای هماهنگی نبوده و تصامیم خود را ما در جنبش ملی میتوانیم جداگانه اخذ کنیم.

درین جلسه اسلم وطنجار سابق وزیر دفاع، انجنیر نعمت الله سابق والی کابل و فعلاً سخنگوی جناح کارمل، جنرال خلیل الله سابق وزیر ترانسپورت، محمد کبیر سابق وزیر مالیه، حبیب منگل سابق سفیر افغانستان در شوروی، اسدالله پیام سابق رئیس عمومی سیاسی وزارت داخله، وحید همکار معاون ریاست سیاسی خدمات اطلاعات دولتی وقت، جنرال عبدالقدیر، محمد هاشم رودوال، لالاظریف، رضوان وعده دیگر از کادر های سابق حزب دموکراتیك خلق شرکت داشتند، در جلسه همچنان عده اندك از کسانی هم بودند که در سابق عضویت حزب خلق را نداشتند،

در اخیر این دیدار انجنیر نعمت الله به نمایندگی از حاضرین صحبت کرده و همکاری خود و رفقایش را با جنبش ملی اسلامی وعده داد. حاضرین بعداً در دعوت شام شرکت کردند که از طرف جنرال دوستم برای آنها در رستوران دهلی در مسکو ترتیب داده شده بود.

بقیهء سرمقاله

کاغذ به این منظور از خارج خریداری نمود و از طریق پاکستان وارد افغانستان کرد اما بانکنوت های را که حزب چاپ کرد چنان بی شباهت به بانکنوت های اصلی به چاپ رسیده بود که به اصطلاح بدست کور میدادی قبول نمی کرد این بانکنوت ها موضوع شوخی و مطایبات بسیار گردید و سر انجام چاپ کنندگان خود کار را بی فایده تشخیص داده و از خیر آن گذشتند.

تا آنجا که تاریخ معاصر جهان بیاد دارد چاپ بانکنوت جعلی بعنوان یك حربهء جنگی را در جنگ جهانی دوم هیتلر علیه انگلستان بکار برد، آلمان درین دوران ملیونها پوند استرلینگ جعلی چاپ کرد و به وسایل مختلف آنرا شامل جریان پولی انگلستان نمود حتی در مواردی طیارات آلمانی بسته های نوت جعلی را بجای بمب بروی شهر های انگلستان ریختند زیرا تاثیر منفی این اقدام از بمب بمراتب بیشتر است. با ازدیاد مقدار پول ارزش پول پائین آمده و قیمت مواد ضروری مورد استفاده مردم بلند می رود این عمل نه تنها بالای مردم تاثیر سخت ناگوار دارد بلکه ازدیاد قیم مصارف دولت را نیز بلند می برد که این خود مانع بزرگ در راه بازسازی و اجرای خدمات عام المنفعه برای مردم است.

اقدام جدی دولت اسلامی برای شکایت به سازمان ملل متحد و کشاندن این موضوع نهایت حساس به دادگاه بین المللی هاك کار بسیار بجا و به موقع است. البته در پهلوی این اقدامات دولت اسلامی ما باید با جدیت این مسئله را در داخل پی گیری نماید تا از وردو این بانکنوت های جعلی به جریان پولی کشور جلوگیری گردد زیرا قرار شایعاتی که بگوش می رسد دوستم دریك جلسهء خصوصی در مزارشریف گفته است که ما در صدد تهیهء امکاناتی هستیم که از این ببعد پول در داخل چاپ شود.

طالبانو سره اوربند د دولت دسوله ...

ډیر اصرار او ټینګار همدا غوښتنه مطرح کوله خو د ډیر لږ وخت له تیریدو سره، ځینو احزابو سره ګډی سیاسی معاملی دوی پیل کړی خو دهمدغسی آوازو او هڅو موجودیت سره سره دولت دطالبانو سره پر اوربند توافق وکړ، دافغانستان اسلامی دولت لخوا دطالبانو سره د اوربند اعلان دسوله غوښتنی تر ټولو ستره بیلګه ده چی توضیح ته اړتیا نلری.

دافغانستان اسلامی دولت ددی ټکی جدی پلوی دی چی ښکیل لوری باید له جګړی نه لاس واخلی، او پردی عقیده دی چی دجګړی له لاری ستونزی نه حل کیږی بلکی دقضایا وحل باید په تفاهم او خبروکی ولټول شی نه په جګړه او جنګونوکی.

دافغانستان ولس ته ښکاره ده چی دولت دمتعددو توطیو مخنیوی کړی او په پوره ځواك او جدیت یی خنثی او شنډی کړیدی او په هره جګړه او جنګ کی یی دیره هڅه کړیده چی خپل سوله پلوی رول ترسره کړی او دخپلی سوله ییزی ستراتیژی پر بنسټ له جګړی نه لاس واخلی او دخبرو له لاری دکړکیچ په حل کی رول ترسره کړی.

دهمدی ستراتیژی پر بنا دادی دولت سربیره پر جدی او پریکنده پوځی بری دطالبانو ډلی سره پرلس ورځنی اوربند توافق کړی او سخت هیله لری چی دا اعلان شوی اوربند دوام ومومی او په پوره دایمی سولی باندی بدل شی.

دطالبانو سره ددولت اوسنی اوربند نه له ورایه ښکاری چی دافغانستان اسلامی دولت دسولی غوښتونکی او ملاتړی دی او اعلان شوی اوربند د دولت دسوله غوښتنی ستره بیلګه ده خو دا به دطالبانو په ډلی پوری اړه ولری چی دوی به دخپل شرعی او دینی مسئولیت په درك سره ستونزی دخبرو له لاری حل ته ترجیح ورکړی او که بیا به هم په ترخو تجربو دتیرو ناکامو جګړو په خیر عمل کوی .

فتح

إنا فتحنا لك فتحاً مبينا

دور دوم نشراتي ـ سال دوم شماره، هشتم پنجشنبه ۲۵جوزای ۱۳۷٤ هـ ش ـ ۱۸محرم الحرام ۱٤۱٦هـ ق ـ ۱۵جون ۱۹۹۵ م

دتجارتي پراختيا په لور

کابل دفتح خبريال: د افغانستان داسلامی دولت دتجارت دوزارت سرپرست گلاب الدين شيرزائی په دی وروستيو وختو کبنی دولسی چين دجمهوريت دتجارتی ډلی د هيئت سره په کابل کبنی وکتل او دافغانستان او چين دولسی جمهوريت تر مينځ ئی دتجارت په پراختيا باندی موافقه ليکونه سره لاسليك کړل.

ديوبل خبر له مخی گلاب الدين شيرزائی د روسيی دمشترك المنافع هيوادونو ديوه تجارتی هيئت سره هم ملاقات او خبری کړی دی او ددواړو هيوادونو تر منځ دتجارتی راکړې ورکړې په باره کبنی موافقی لاسليك کړی دی.

يك فروند طياره، جنگی دوستم بر فراز خنجان سرنگون گرديد

گزارش راديو افغانستان از کابل حاکيست بتاريخ ۱۷ جوزای سالجاری يك فروند طياره نوع سو که از پيشرفته ترين طياره های جنگی بشمار ميرود هنگام بمباردمان خطوط مقدم جبهه بر فراز خنجان توسط يکی از جنگنده شکاری دولت اسلامی هدف قرار گرفته سرنگون گرديد.

گزارش راديو افغانستان می افزايد از سرنوشت پيلوت طياره سرنگون شده که محمد يعقوب نام دارد تا زمان گزارش خبر اطلاعی در دست نبوده است.

آخرين اطلاعات بدست آمده حاکيست پيلوت نامبرده که ميخواست با پراشوت خود را نجات بدهد به اسارت مجاهدين در آمده است.

توسط پروفيسور برهان الدين ربانی رئيس جمهور کشور مان

مبلغ پنجصد مليون افغانی برای کار های عمرانی ولايت نيمروز اهدا گرديد

گزارش رسيده از حوزه جنوب غرب کشور حاکيست رئيس جمهور کشور مان روز پنجشنبه ۱۷ جوزای سالجاری جهت بازديد از فتوحات اخير مجاهدان و ملاقات با مردم آن ولايت وارد زرنج مرکز ولايت نيمروز گرديد.

در ميدان هوائی نيمروز از رئيس دولت اسلامی بريد جنرال عبدالکريم والی و قوماندان لوای سرحدی، بريد جنرال محمد نعيم قوماندان امنيه، بريد جنرال حبيب الله رئيس امنيت، مولوی گل محمد رئيس محاکم مسئولين دواير ، قوماندانان جهادی، بزرگان و جمع غفيری از مردم مجاهد آن ولايت استقبال بعمل آوردند.

محترم رئيس جمهور کشور مان و هيئت همراهان در حاليکه محترم محمد اسماعيل خان امير عمومی حوزه جنوب غرب ايشانرا همراهی مينمود عازم اقامتگاه شان گرديد.

رئيس جمهور دولت اسلامی ضمن قدردانی از پايمردی و تلاشهای پيگير مردم مسلمان آن ولايت در پاکسازی منطقه از لوث بغاوتگران مبلغ يکصد مليون افغانی را جهت ترميم مسجد جامع خاتم النبيين شهر زرنج و چهار صد مليون را به منظور ترميم نهر ها و کاريز های آن ولايت اهدا نمود که با تشکر و قدر دانی پذيرفته شد.



بخاطر چاپ بانك نوتهای جعلی توسط ازبکستان بانك مرکزی افغانستان به مراجع بين المللی شکايت کرد

● بانك نوتهای که بخاطر سبوتاژ امور پولی دولت اسلامی افغانستان طبع گرديده است از نظر سايز، رنگ و نمبر مسلسل با بانك نوتهای اصلی تفاوت دارد .(عبدالقدير فطرت) ص(٤)

محترم پروفيسور برهان الدين رباني رئيس جمهور سفير ايالات متحده امريکا مقيم اسلام آباد را جهت ملاقات به حضور پذيرفتند

راديو افغانستان به نقل از دفتر مطبوعاتی رياست جمهوری خبر داد بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱٦ جوزای سالجاری رئيس دولت اسلامی، جان سی منجو سفير و نماينده فوق العاده ايالات متحده امريکا مقيم اسلام آباد را جهت ملاقات در قصر گلخانه رياست جمهوری به حضور پذيرفت.

در جريان اين ملاقات راجع به توسعه و تحکيم روابط ، علايق و مناسبات دوستانه ميان دوکشور و از سرگيری مساعی سازمان ملل متحد جهت يافتن راه حل برای قضيه افغانستان بحث و تبادل نظر بعمل آمد.

لازم به ياد آوريست قبلاً جان منجو با حکمتيار در جلال آباد ديدار نموده بود.

دمجاهدينو ديوه بريالی بريد سره:

په جوزجان کی ۹ کلی دمليشيانو نه تصفيه شول

دجوز جان ولايت نه په رالوبيدلی خبرونو کی ويل شويدی چی ميړنيو مجاهدينو داسلامی اردو په مرسته دمليشيانو قواو په وړاندی ستر بريالیتوبونه ترلاسه کړيدی.

مجاهدينو دقوماندان محمد رحيم تر قوماندی لاندی دمليشه قواو په مراکزو بريد وکړ چی په نتيجه کی دکچن په سيمه کی ۹ کلی دمليشيانو له وجود نه پاك او تصفيه کړل.

ددغو عملياتو په ترځ کی د مليشيانو نه ۵ تنه مړه او ۱۲ تنه ټپيان شويدی او يو تن مليشه جنرال د دين محمد خلقی په نوم سره له شلو تنو افرادو سره په وسلو سمبال په اسارت نيول شويدی.

په خبر کی ويل شويدی چی په سيمه کی دمجاهدينو مورال لوړ او ددښمن مورال ضعيفه دی دمليشيانو قواو نه ۳۰۰ تنه نور هم اسلامی اردو ته تسليم شويدی.

عبدالرحمن پژواك داعی اجل را لبيك گفت

«انا لله و انا اليه راجعون»

با تأسف اطلاع يافتيم عبدالرحمن پژواك، شاعر، نويسنده و يکتن از ديپلومات های با سابقه، افغانستان روز پنجشنبه ۱۷ جوزا به اثر مريضی ئی که از مدتی به اينطرف عايد حالش بود به عمر هشتاد سالگی در پشاور وفات نمود.

عبدالرحمن پژواك مدتها بحيث نماينده افغانستان در کشور های مختلف ايفای وظيفه نموده و مدتی نماينده گی افغانستان در سازمان ملل متحد را بعهده داشته است.

جنازه مرحوم پژواك روز جمعه ۱۸ جوزا از پشاور به جلال آباد انتقال يافت و در هديره آبائی شان واقع سرخ رود بخاك سپرده شد.

دوستم در ملاقات با جمعی از کادرهای حزب منحله، ديموکراتيك خلق در ماسکو:

در رابطه به سقوط دادن حاکميت حزب دموکراتيك خلق ودولت نجيب الله من مقصر نمی باشم ناجوانی از طرف نجيب بود نه از جانب ما.

ص(۷)

دخنجان په شاو خواکی دمليشيانو حمله په شاوتمبول شوه

دجوزا ۲۰ نيټه:

دخنجان دجبهاتو نه په رارسيدلی خبرونو کی ويل شويدی چی داسلامی دولت غبنتلی اسلامی اردو دمليشه قواو حمله په شاه تمبولی ده.

د دوستم مليشيانو په خنجان دغه حمله دبغلان کندز او سمنگان ولايتونو کی دخپلو برله پسی ماتو نه وروسته وکړه چی ددغی حملی قوماندانی پخپله دوستم په غاړه درلوده.

ددغی حملی په دفع او شاتمبولوکی په لسهاو مليشيان مړه او ټپيان شول.

دمليشيانو دری دستگاه تانك ويجاړ او يو دستگاه تانك روغ رمټ داسلامی اردو ځواکونو په غنيمت نيولی دی.

دحملی په ترځ کی د مليشيانو جسدونه دجبهی په شاوخوا کی تر اوسه پراته دی.

ددغی حملی په شا تمبولوکی د ۳۵ جهادی فرقی ونډه دقدر وړ درلوده.

ديوه بل خبر په اساس تيره شپه دمليشه قواو حمله دکندز ولايت دعلی آباد په ولسوالی کی په شا تمبول شوی او مليشيانوته يو زيات اندازه ځانی او مالی زيان وراوښتی دی.

طالبانو سره اوربند د دولت دسوله غوښتنی ستره بيلگه

ص(۲)

تعرض مليشه ها در ولايت کندز دفع و تعدادی از آنها هنگام فرار در دريا غرق گرديدند

گزارش راديو افغانستان حاکيست تعرض مليشه های دوستم بتاريخ ۱۸ جوزا در مربوطات ولسوالی علی آباد ولايت کندز سرکوب گرديده و تلفات و خسارات زيادی به آنها وارد آمد.

گزارش می افزايد در جريان ضد حمله نيروهای اردوی اسلامی هفت تن به اسارت در آمده و تعداد بيست تن آنها هنگام فرار در دريا غرق گرديدند همچنان يك چين تانك مليشه ها منهدم گرديد.

اخيراً مليشه های دوستم دست به يك سلسله حملات ناکام در ولايت کندز، سمنگان و بغلان زدند که تمامی اين حملات با مقاومت و پايمردی مدافعان دولت اسلامی مواجه به شکست گرديده تلفات و خسارات زيادی به آنها وارد گرديده است.

سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی تلاش تازه ای را جهت صلح در افغانستان آغاز نمود

منابع خبری گزارش دادند دکتور حامد -الغابد رئيس کنفرانس کشور های اسلامی برای از سرگيری کوششهاي صلح در افغانستان تلاشهای تازه ای را آغاز نموه.

حامد الغابد ابراهيم بکر معاون سياسی خود را جهت سفر به کابل ،جلال آباد و پشاور مؤظف نمود تا با رهبران دولت و مخالفين مذاکره نمايد و راه حل قابل قبولی برای مشکل افغانستان پيدا نمايند.

مساعی تازه کنفرانس اسلامی بر اساس فيصله قبلی رهبران سازمان نامبرده براه انداخته شده است لازم به يادآوريست کنفرانس کشور های اسلامی علاوه بر کوششهای مستقل از تلاشهای صلح ملل متحد نيز حمايت نموده است.

فتح

. ارگان نشراتی جمعيت اسلامی افغانستان (خارج کشور)

صاحب امتياز:جمعيت اسلامی افغانستان

باما به اين آدرس مکاتبه کنيد

G.P.O.BOX. 1102

پشاور ـ پاکستان